



START

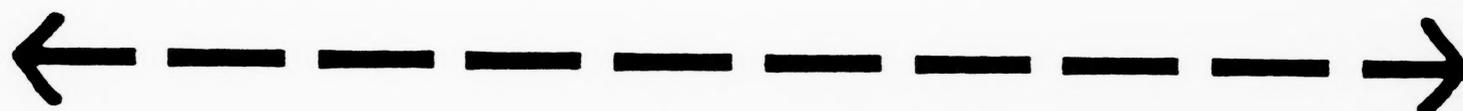
J
CLA

REEL 109



Microfilmed 1990

**University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804**



6 inches

Reduction Ratio 8:1

**National Preservation Program for
Biomedical Literature:**

**Preservation of Persian and Arabic
Medical Manuscripts**

**Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles**

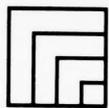
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

**The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:**

**Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink**

**Red and purple within the
manuscripts may appear paler.**



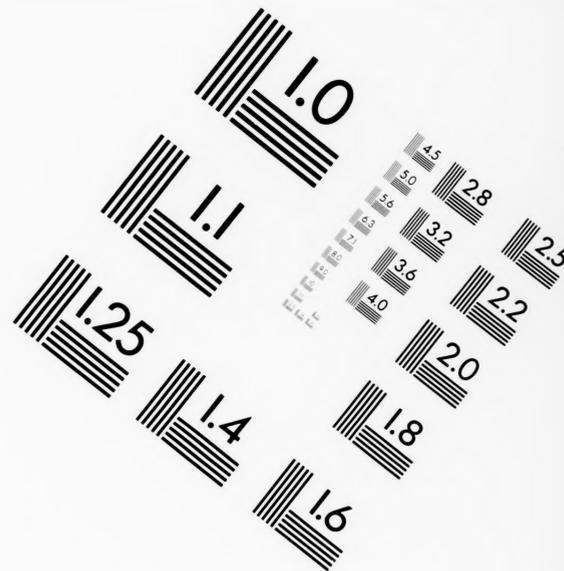
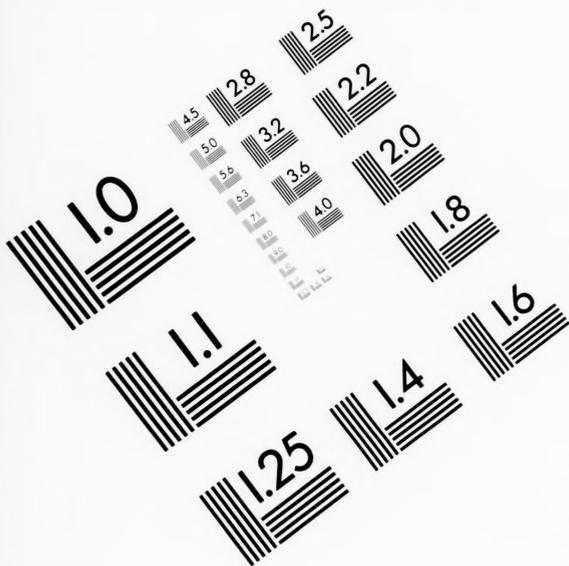
AIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100

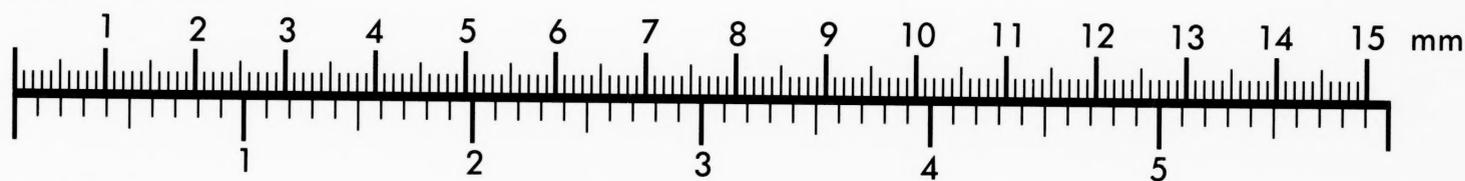
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

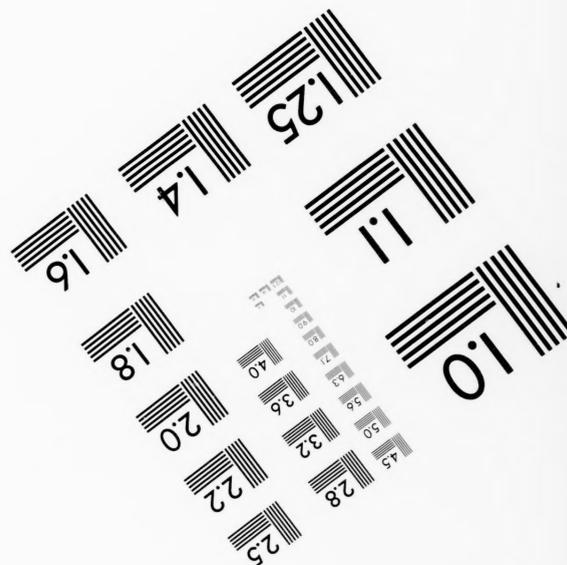
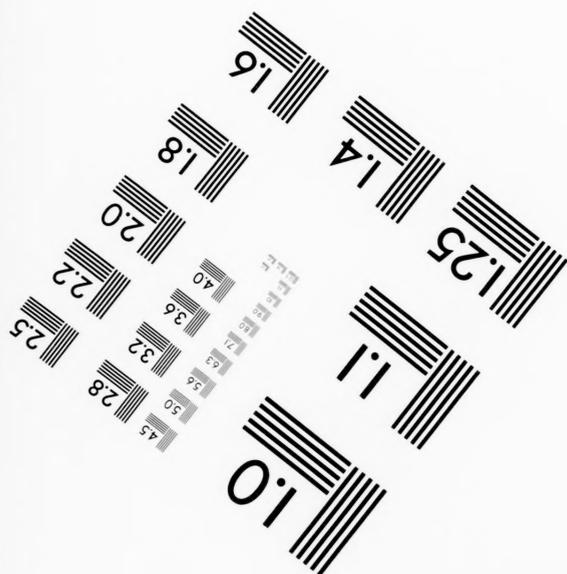
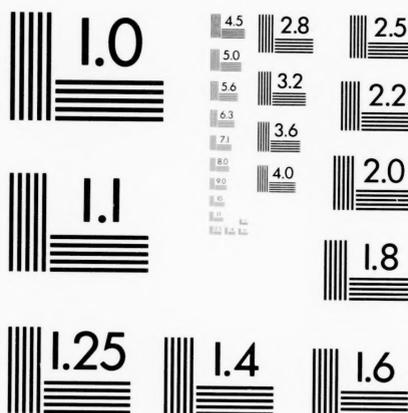


MS303-1980

Centimeter



Inches



MANUFACTURED TO AIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

**Los Angeles,
University of California**

Louise M. Darling Biomedical Library

**History and Special Collections
Division**

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

**For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:**

**History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.**

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. -- ca.
1100-ca. 1900.

150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.

Entire collection microfilmed as part
of a National Library of Medicine
preservation project: the preservation
master negative is at NLM; the printing
master negative is at the University of
California's Southern Regional Library
Facility; a positive copy is housed in
the UCLA Biomedical Library's History
Division.

Formerly a part of: Near Eastern
manuscript collection, Dept. of Special
Collections, University Library,
University of California, Los Angeles,
and assigned accession no. 1117.

Transferred to the History Division
of the UCLA Biomedical Library in
CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. ... ca.
1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.

Finding aids: Annotated and indexed
list available in library: Richter-
Bernburg, Iutz, Persian medical
manuscripts at the University of
California, Los Angeles : a descriptive
catalogue (Malibu : Undena
Publications, 1978)

1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts,
Medical. I. University of California,
Los Angeles. Louise M. Darling
Biomedical Library. History and Special
Collections Division. II. Series: Near
Eastern manuscript collection ; no.
1117.

CLU-M ejf 891113

CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 111

(Richter-Bernburg No. 94)

**Author: Moẓaffar b. Moḥammad
al-Ḥosainī "Shefā'ī"**

Title: [Qarābāzīn]

66 fols., 183 x 115 mm

سپنا عمل کرد و پرو... 1

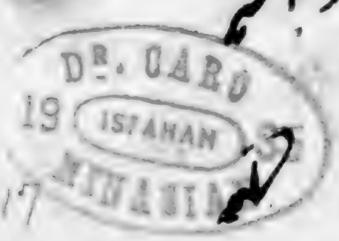
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
صلى الله عليه وسلم
سنة ١٢٥٣

مروسی نام ساج هر صنادیرا
عشتا و

قائمه شرح	علاوه بر	تالیف	مؤلف
مؤلف	مؤلف	مؤلف	مؤلف
مؤلف	مؤلف	مؤلف	مؤلف
مؤلف	مؤلف	مؤلف	مؤلف

سید محمد...
تالیف...
مؤلف...
مؤلف...
مؤلف...

Call. 1117
MS 111



CLU-M



THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES

سپه سالک در و ... 1

نام ... اماره نام اماره نام
س ... س ... س ... س ...
ل ... ل ... ل ... ل ...

۱۲۵۳
مروسی نام ساج هر صدارت

عشت
عاشق ...

ماورق	ماورق	ماورق
ماورق	ماورق	ماورق
ماورق	ماورق	ماورق
ماورق	ماورق	ماورق

ملک درق

س ...
...
...



Coll. III 7
MS III

CLU-M

شکر دوامتک رو

مروارید باغی کهر با کل سفید کربد طبایر
۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر

کرم کاهو کرم فرو کاوران کسل مستطالی
۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر

آسیب زنی قدر صد
صد مهر ۴ مهر

شکر دوامتک بارو

طبایر سفید صندل سفید کاوران کسل کربد
۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر

کرم فرو کل کرم بهم سفید قشر اترج
۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر

مروارید باغی کهر باغی سفید ادرک سفید
۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر

مستطالی ورن لقره آسیدین عسرد
۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر

وصلایه باغی قدر سفید ادرک

بکبر تخم ترب تخم سبزان شیطیح در سرکه
بوش نند و غنبدان تر کندی و بر طحال نند و درک اسلم
از جانب چپ کت بندایه ات

داربانه انیسون عموضام وار صبر بنبار زیره بر
کروبه مصطک قرقل او فر با بود کازران

زنجبیل پوست پسته سوراخان مهر هر یک در مقابل
افرادا کوفته و پیچیده با عمل کف گرفته معجون سازند کوزه معده نایه
شکر سوزنای دندان

نوتاقلم مردار سگ کوزه قفا کشر فلوسی هلند
اب نوت سباه سرکه کهنه طبایر بنفشه سوزنایند

زرد کله با تخم دالو کوبیده بوس سینه قوقل بوداده
افسندر قرقل کرم و گمان سار سفید ابر الایم صلائی
کدالک ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر ۴ مهر

دستور العمل خوردن خوب صبر بطریق قهق
 هر روز در وقت حال خوب صبر را با سبزه منقار آب کوی کند
 ماه بصف رسد و گاهی آب و قهقن کاهر با نبات و گاهی
 به نبات نوشند و از سبزه با و لنبیات و سبزهها سوای نعناع
 پیر بهر کنند و عذارا گم کند که از بند و ناز انا مر با نبات مقهور
 معده مثل مر با نبات بود سبزه و مر با نبات به و شربت به و شربت
 انا شربتی میل کنند و عذارا مر صبر او در وصلی صلا معده
 سنگ لایه بخار صبر در اندر انداخته اوقات سردی خصمگر
 هر ساله مایه جواهر بود که از ار معده و الی اعلم
 اگر در وقت خامه نبرد یکدیگر مغز سر کینند و نوش جو در عذرا
 و در عید جوز با هم میزدند و شاف کنند با کبود و در هر روز
 با پوست انار هر یک یکمشتاق نوم بساید و با انگلیسی بیامزد
 و بوقت جهار شاف کنند و در کبر آب با اندک شکر کوه کنند
 و در کلون از آن بخورد که در هر یک یکمشتاق عجم اسفند خوب بساید
 و انگلیسی بیامزد و هر روز شاف کنند بعد جهار دهند

نوع هر شب بعد از طعام حواله خوابیدن بقدر نیم مقدار کف نموده
 اندک آب عقیق آن نوشند که صفت معده مایه اسان الله
 نسخ سفوف کله از ار معده

قد در زره سبز لایه روز در که پرورشی و بند و بعد از نیم
 روز خنک نماید و باید صندان نبات سفید و نصف آن
 صغریل سفوف نموده اگر کلمتک صلی با بند با فوات
 معده کله نازم

کشم فر کشم کرفس صمغ صمغی عود قهق
 کادم کادم کادم کادم کادم
 بهر ایرافرا اصل امینی هر روز بخورد که فو نافع است
 کله نازم

کله نازم

و اگر با نوشتن در بر جاید با لند مور بر نیاید و اگر زهره
 کوکب با بر قطره آب کافور بر بینی جفا کند در و و در اثر
 بر طرف کند هر که شکر را با زهره بزود چشم کشد فرقی
 اگر زهره شوارزاید بر کوکب پیش در بر آتش زهره فارغ شود
 هر که اکل و لکه با بر در ششش پیش بر آن مال شود و او
 و جگر است اگر زهره پیش زبان برابر و با لند سیاه شود
 جگر است و اگر آب علی در کوشی جفا کند در و و در
 و اگر زهره او بر کوشی کشد کوم با لند هر که بخورد فریب شود
 اگر موی شتر سوراخ شود و خال شش بر جفا کند سودا او
 و اگر خال مور شتر در سید جفا کند خوب شود اگر زهره او
 برابر با لند کند با بر افعال کند اگر شتر شکر کم گرم بر روی
 با لند زرد در لانه بود و سرخ کند و اگر گرم امول بود آن

6

خرف سرطان خشک سخن

و بر جفا کند در مل نهند سودا او اگر تخم کوه و کوه جندان
 تخم تیز که کوفته بر کف طلا نماید نافع است خصیت الثعلب
 بهشت باه بسیار نافع است و سرع الاثر است خولنجان
 بجهت با نافع است مغز انجور یک بجهت نافع است در فلفل
 بجهت نافع است پوست خیار کوفته استعمال نماید بجهت
 صورت تخم جزر بر بجهت با نافع است خاصیت پوست
 در چشمهای گودا است اگر کسی چشمهای وی با پوست با فرد نگاه دارد
 پوخم غائب و محمود خلاق گردد زرنبا در اکی در دهن
 نگاه دارد بوی دهن دور نماید زراوند طولی اگر با فلفل
 بیان مند بچم بچند از و دیگر زهره جازند و بخورد بر کوه کوه
 حود و زنده بچند ازند آب بود کوه و بال که حل نمود موسی
 سیاه کند چون ضما کنند قتها یا با سوتی خصیت الثعلب

صفحه اول در وقت صبح از زعفران و زعفران و زعفران
بصر و ابتدای آب زعفران صفه آن اقلیمیا رطل غفل سیاه افیون
از هر یک چهار درم صمغ عربی شیا و عا مینا از هر یک شیت درم انزروت
کندسی زرنج زرد از هر یک یک درم بوره از منی دو از درم باربان
شیا و سازند چنانکه رسم است شیبانی که ناخت جری غلط جفن
وسیل که نه با آن حوات و حمزه بن پش و تدی کی پس از این کند
صفه آن اقلیمیا زرقه و افیون از هر یک یک درم سفید از زرنج صمغ عربی
زنگار استق از هر یک دو درم باقی هر استق در آن حل کرده باشد شایند
شیبانی که ناخت ابتدای مدر او درو ساکنند و خواب و صفه آن
سینا و مالتیا هفت درم زعفران افیون حنظل صمغ عربی از هر یک دو درم
گیر او انزروت از هر یک چهار درم چند سکه ستر یک درم کوفته و تخمه پیاز
سازند سینه که ناخت قرص صیدیه را و پس را خشک سازد و گوشت بویا
صفه آن سفید از زرنج دو درم کند و انزروت از هر یک یک درم افیون
دور و زویر این در او در از صفه آن

صفحه دوم در وقت صبح از زعفران و زعفران
بصر و ابتدای آب زعفران صفه آن اقلیمیا رطل غفل سیاه افیون
از هر یک چهار درم صمغ عربی شیا و عا مینا از هر یک شیت درم انزروت
کندسی زرنج زرد از هر یک یک درم بوره از منی دو از درم باربان
شیا و سازند چنانکه رسم است شیبانی که ناخت جری غلط جفن
وسیل که نه با آن حوات و حمزه بن پش و تدی کی پس از این کند
صفه آن اقلیمیا زرقه و افیون از هر یک یک درم سفید از زرنج صمغ عربی
زنگار استق از هر یک دو درم باقی هر استق در آن حل کرده باشد شایند
شیبانی که ناخت ابتدای مدر او درو ساکنند و خواب و صفه آن
سینا و مالتیا هفت درم زعفران افیون حنظل صمغ عربی از هر یک دو درم
گیر او انزروت از هر یک چهار درم چند سکه ستر یک درم کوفته و تخمه پیاز
سازند سینه که ناخت قرص صیدیه را و پس را خشک سازد و گوشت بویا
صفه آن سفید از زرنج دو درم کند و انزروت از هر یک یک درم افیون
دور و زویر این در او در از صفه آن

صفحه اول در وقت صبح از زعفران و زعفران
بصر و ابتدای آب زعفران صفه آن اقلیمیا رطل غفل سیاه افیون
از هر یک چهار درم صمغ عربی شیا و عا مینا از هر یک شیت درم انزروت
کندسی زرنج زرد از هر یک یک درم بوره از منی دو از درم باربان
شیا و سازند چنانکه رسم است شیبانی که ناخت جری غلط جفن
وسیل که نه با آن حوات و حمزه بن پش و تدی کی پس از این کند
صفه آن اقلیمیا زرقه و افیون از هر یک یک درم سفید از زرنج صمغ عربی
زنگار استق از هر یک دو درم باقی هر استق در آن حل کرده باشد شایند
شیبانی که ناخت ابتدای مدر او درو ساکنند و خواب و صفه آن
سینا و مالتیا هفت درم زعفران افیون حنظل صمغ عربی از هر یک دو درم
گیر او انزروت از هر یک چهار درم چند سکه ستر یک درم کوفته و تخمه پیاز
سازند سینه که ناخت قرص صیدیه را و پس را خشک سازد و گوشت بویا
صفه آن سفید از زرنج دو درم کند و انزروت از هر یک یک درم افیون
دور و زویر این در او در از صفه آن

سقمونیا بیدرم کوفته و نخته حب ازند شربتی کیمتقال تا به سفال و در وقت
 خواب برود و بجنبه خوب است حب لیبون است صداع و در چشم
 نافع باشد و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آورد و سفال صبر قوی
 عصاره استین مصطکه از هر یک کیمتقال شخم خنظل و سقمونیا از هر یک
 بیدرم کوفته و نخته باب اگر جنب سازند شربتی کیمتقال تا به سفال
 سرد کیشاید و استفراغ کسب از نافع باشد سفال شربتی سقمونیا
 از هر یک بیدرم غاریقون چهار درم انیسون و فطر اسالیون و تخم
 کرفس و دو قوا از هر یک دو درم سقمونیا بیدرم کوفته و نخته باب خالص
 سازند و شربتی دو درم غاریقون به این خاصیت دارد و طبع با نرم
 کند چون آب سرد بیدرم از آن بنوشد سفال غاریقون دو درم
 عصاره غافق و ریونند از هر یک دو درم قند سفید با نرود درم کوفته و نخته
 باب حب بسیارند و مقبیلین فاج و لوتوه و مفصل و نقرس از سردی باشد
 و وضع ظهر را نافع بند و باوهای غلیظ را دفع کند و حیض کیشاید سفال

سکنج

سکنج اسق جابو بر سفال شخم خنظل صبر قوی ترید سفید پودت بیدرم
 از رقت هم مساوی تر و زرد آب حل کنند و دارو کوفته و نخته باب
 کبرشند و حب سازند شربتی دو درم حب لیبون بدن از سفال
 و بلغم و اخلاط غلیظ پاک کند سفال پودت یک کابی سفال
 استین غاریقون از هر یک درم اسارون انیسون تخم کرفس از هر یک
 دو درم شیمون بیدرم ایاره فیرانه درم قرفل بیدرم فایند چهار درم
 فایند در آب بگذارند و دو درم سقمونیا اضافه کنند و در آن حل کنند
 دارو با کوفته و نخته باب کبرشند و حب سازند و نخته باب صداع و در
 حبس را نافع سفال صبر قوی است درم پودت یک کابی از رده درم
 کثیر امصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق کل سرخ بیدرم
 کوفته و نخته بکار حب سازند و شربتی دو درم حب دیگر که دوا است
 نافع باشد و صفرا و سودا و بلغم دفع کند سفال شیمون چهار کیمتقال شخم
 خنظل سقمونیا یک مندی استین از هر یک دو سفال صبر زرد و سفال

نزروت و بسنج شستنی از هر یک ششقال تر بپفید و واز و متقال
 کوفته و پخته با آب خالص است سازند سرتی به درم یک کس
 قویج بکشد و باد نای غلیظ دفع کند سفیدان کسینج و تخم خنظل
 هر یک درم ستمونیا سه درم باب سداب سازند سرتی بکند
 چه دیگر که بادهاش کند و فتنی و اورام خصیة نافع به صند
 تخم کزکس هزار اسفند نیون مصطکی زعفران از هر یک یک درم پود
 بیلکه کبابی آنکه شتر کسینج مقل از هر یک دو درم فطر اسالیون
 و فودنه و اوخ و قسط و زرباد و درونج و اسارون از هر یک یک درم
 کوفته و پخته با آب سداب سازند و هر روز یک درم تناول نمایند
 حب را بپزند استسقاء زقی را نافع به شش آن ریونند صنی عصاره فتن
 تخم کزکس از هر یک درم غاریقون پنجر درم مازنیون مدبرده درم
 کوفته و پخته با آب سداب سازند سرتی دو درم بیلکه کبابی و فودنه
 نافع به شش آن ایاره فیترا سه درم غاریقون دو درم و تخم کزکس

خنظل

خنظل یک درم و نیم انزروت چهار درم تر بپفید و فتن ستمونیا ششقال
 کوفته و پخته با آب کشته تا خوب شود سرتی هر روز یک درم سداب ای از میان
 فاصیت دارد سفیدان سنبلیله و حبیب اسارون و عود و بلسان مصطکی
 و از صنی زعفران از هر یک یک درم صبر سقوطری سازند درم سه طوطی و درم
 و تخم خنظل از هر یک یک درم تر بپفید و فتن درم یک مکندی دو درم ستمونیا
 چهار درم سرتی چهار درم سبب شیخ عرق لسان و اوجاب مفصل و
 و خنظل را نافع بود سفیدان بولیت یله زرد درم صبر سقوطری یک درم
 فلفل در فلفل از هر یک یک درم خود سه درم سبب شیخ مکندی تخم خنظل زرد
 از هر یک دو درم فاصیت سبب شیخ چهار درم با کسینج سداب سرتی سه درم
 سبب شیخ سرتی درم و جگر اسود دارد سفیدان غافق صبر سقوطری
 بولیت یله زرد مسادی کوفته و پخته با آب کزکس سازند سرتی دو درم
 چه دیگر که بهق و برص و امراض سوداوی نافع بود سفیدان ایاره
 فیترا پنجر درم ستمونیا سه درم لاجورد و سفول هفت درم ستمونیا تخم خنظل

و خرق سیاه از هر یک دو درم سنبل انیون از هر یک یک درم کوفته و بخت
 باب کز حس بسیار سرد سستی دو درم و نیم سبب جرب را نافع باشد
 پرتلیس یک درم و سیاه از هر یک نیم درم صفت درم سقمونیا
 دو درم و نیم کوفته و بخت با سبب سبب از سرد سستی دو درم
 سبب از نافع بود سبب پرتلیس یک کابی و مقل از هر یک یک درم
 تریب سفید درم سکنج نیم درم خود دو درم مقل و پنج را در آب کنند
 تا حل شود و در و های کوفته و بخت بان بپوشند و حب سازند و بخت
 سفاق را سود دارد و طبع را نرم کند و محروم از اوقاقی به
 کابی سبت درم مقل دو درم کثیرا در آن حل کنند و بخت پرتلیس کابی کوفته
 بان بپوشند و حب سازند سستی دو درم سبب سبب در معده
 بوسه را نافع بود سبب سیاه بلیله و اول از هر یک خروی مقل برابر
 مقل در آب حل کنند و در و های دیگر کوفته و بخت بان بپوشند و حب
 سازند سستی دو درم و نیم سبب دیگر چون سبب متوالی بود جمیع کابیا

سکنج کفنه سبب سیاه بلیله مقل از هر یک چهار درم کابیا صفت
 مصطکی سورنجان اسق هزار اسپند شطرح ناخواه از هر یک است درم
 صبر سقوطی سبت درم سکنج دو درم مقل سکنج را در آب کنند و بگذارند
 و با او به را کوفته و بخت بان بپوشند و حب سازند سستی دو درم مقل
 با و نافع کند و طبع را نرم سازد و قولنج بکشد سبب سبب در مقل و نقل در
 فلفل در فلفل نار سبب مصطکی از هر یک یک مثقال سقمونیا مقل و سفید
 هون سبب کوفته و بخت جها سازند هر یک مقدار خود هر یک یک مثقال کنند
 سبب سبب سبب را نافع بود سبب سبب سبب سبب درم
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 زعفران یک درم و نیم غار یقون سه درم حما مایله درم کوفته و بخت حب سازند
 سستی دو درم و نیم سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 یمن سبب لاجورد و منسول سنبل انیون تخم خنظل کثیرا سقمونیا از هر یک سبب
 کوفته و بخت باب کز حس بسیار سرد سستی دو درم مقل و پنج را در آب کنند

ایاره فیکر انیم مشتقان استیمون اسطوخودوس سفیاج مک مندی غاریون
 از هر یک غلیظت بد سفید پودت یک زرد تخم خنظل کثیر استیمون از هر یک
 دانگی و نیم مصطکی و سنبل از هر یک دانگی حب ساقه بطینج اسطوخودوس
 حب دیگر چه ضعف با نافع بود استیمون ایاره فیکر از هر یک
 یکدرم حب سنبل استیمون از هر یک یکدرم تخم خنظل غاریون عاقرقورح
 خصیه الثعلب از هر یک نیم محموده کثیر از هر یک دانگی کوفته و خسته بکتاب
 حب تند حب دیگر جهت شک مشتقان ایاره فیکر انیم قتل ترب سفید یکدرم
 غاریون باورد و منسول پودت یک زرد سورنجان از هر یک یکدرم استیمون
 دانگی و کسوج افیون و کثیر از هر یک دانگی کوفته و خسته با حب سبزه
 حب و کدران نافع استیمون پودت یک زرد صبر سقوطری از هر یک
 در مسقمونیا ورق گل سبز از هر یک دانگی کوفته و خسته بکتاب سبزه
 حب سفیاج ایاره فیکر از هر یک غاریون از هر یک یکدرم تخم خنظل
 حب الشیل کثیر از هر یک دانگی نیم اسطوخودوس بوزیدان از هر یک یکدرم

کثیر تخم زرد کوفته و خسته کثیر از هر یک کوفته و خسته کثیر از هر یک کوفته و خسته
 با حب کرم و بوسل بسوزند عرق از هر یک نقل با حب سبب آن نیم نافع بود
 صفت آن نوبت درم زنجبیل مک مندی شویتر عاقرقورح مورج
 سفید ایاره فیکر ایساز از هر یک یکدرم بویزه از هر یک یکدرم
 زوق فلفل از هر یک دو درم کوفته و خسته بوسل کثیر از هر یک یکدرم
 غرغره کند غرغره که قروح حلق را نافع بود و سبب آن زاج سفید و بویزه
 کاغذ سوخته مازوی کثیر از هر یک زعفران از هر یک نیم قتل کوفته و خسته
 بسر کوفته کثیر از هر یک کوفته و خسته کثیر از هر یک کوفته و خسته
 خوب کوفته و خسته بوسل کثیر از هر یک کوفته و خسته کثیر از هر یک کوفته و خسته
 کند یکدرم مازوی سوخته یکدرم زعفران یکدرم کاغذ سوخته کوفته و خسته
 زعفران دانگی کوفته و خسته در کرم و بوسل کثیر از هر یک کوفته و خسته
 غرغره که قروح حلق و قوه و صرع را نافع است و سرد ماوا از اخلاط غلیظه
 کثیر از هر یک کوفته و خسته کثیر از هر یک کوفته و خسته کثیر از هر یک کوفته و خسته

رخ و امراض مان حاصله را که سبب آن رطوبت است سود دارد و باد های
 غلیظ را دفع کند و در میان تویج و معص ریحی و امراض
 حاصله را که سبب آن برودت است سود دارد و باد های غلیظ را دفع کند
 صف آن فرقیون محارقه و قاسمیل زعفران از هر یک بختدم
 و بزرگ از هر یک پت در کوفته و بختدم بختدم و بعد از سه ماه
 استعمال نمایند دیگر معده را قوت دهد و باه را زیاد کند
 و سرعت ایزال را دفع کند پوتت پتت زرد پوتت پتت
 سیطرم هندی تخم کرمش خیر و بافتن سینه و فضل نامرک
 ساسان و بجان از هر یک بختدم پوتت بلید آه متعلقه در
 بناخواه از هر یک بختدم پوتت و خنبل جوز بویار بختدم از هر یک
 است دم سده دم سنگ دو بختدم غیر کتیکال خبث الحامید
 بدر بوزن ادویه روغن کاج و چهل سفال غش صفت دو وزن نیم ادویه
 بطریق مسود بگون سازند و بعد از سه ماه استعمال نمایند سردی را
 دفع کند

از هر یک بختدم
 پوتت پتت زرد پوتت پتت
 ساسان و بجان از هر یک
 بناخواه از هر یک بختدم
 است دم سده دم سنگ دو
 بدر بوزن ادویه روغن
 بطریق مسود بگون سازند

در بدن با نذرون جام بعد از آنکه عرق کرده باشند طلالی که کف را برد
 صفت آن پوست تخم مرغ اسنان با بختدم پرورده آرد جو
 رخ فی عدس آرد با قلا فلفل کف دریا ما میران پنی مساوی با بختدم
 طلا کنند طلالی که از برای وزردی را از روی پرده صفت آن زراوند
 مدوج سیطرم هندی از هر یک دو درم آرد با بختدم آرد کوزه عدس
 از هر یک بختدم بسفید مرغ تر ساخته کنند و صبح با بی بختدم خورند
 بکوفته در آن جو کسائیده بختدم طلالی که بر صفت پتت
 سندان سفید زرنج سرخ مساوی بختدم طلالی که صفت
 نافع پتت حنا و نمک کوفته و بختدم بختدم تر سازند و در حمام
 بمانند و یک ساعت بگذرانند پس با بختدم بختدم طلالی که بختدم
 نام بختدم آن نظرون استی فرسیون کوروز زرد بختدم
 مسور بختدم طلالی که از جهت کف نافع پتت
 ترس تخم سرب جو چرتقا متقربا در تخم کوبه از سر فضل مقل سیاق

در بدن با نذرون جام بعد از آنکه عرق کرده باشند طلالی که کف را برد
 صفت آن پوست تخم مرغ اسنان با بختدم پرورده آرد جو
 رخ فی عدس آرد با قلا فلفل کف دریا ما میران پنی مساوی با بختدم
 طلا کنند طلالی که از برای وزردی را از روی پرده صفت آن زراوند
 مدوج سیطرم هندی از هر یک دو درم آرد با بختدم آرد کوزه عدس
 از هر یک بختدم بسفید مرغ تر ساخته کنند و صبح با بی بختدم خورند
 بکوفته در آن جو کسائیده بختدم طلالی که بر صفت پتت
 سندان سفید زرنج سرخ مساوی بختدم طلالی که صفت
 نافع پتت حنا و نمک کوفته و بختدم بختدم تر سازند و در حمام
 بمانند و یک ساعت بگذرانند پس با بختدم بختدم طلالی که بختدم
 نام بختدم آن نظرون استی فرسیون کوروز زرد بختدم
 مسور بختدم طلالی که از جهت کف نافع پتت
 ترس تخم سرب جو چرتقا متقربا در تخم کوبه از سر فضل مقل سیاق

ح

بوره ارمني از هر يك بگيرم كوفته و بچنه سرتي هر روز بگيرم
 بگلفند بپوشند سفوفی كه ايمان خاصيت دارد و حقه آن لك مغبول
 سند رسول از هر يك چهار درم مرز كوش نيدرم زاج زراوند
 خنطيا نلد از هر يك دانكي و نم كوفته و بچنه سرتي دو دانك سفوف
 قطع سيدان مني و سرعت انزال را نافع است سفوف تخم سداب درم تخم
 قزنجشك پنج سوسن از هر يك دو درم كلنار ورق كل سرخ از هر يك
 بگيرم و نم كوفته و بچنه دو درم از آن در دو وعه با آب غوره حل کرده بپوشند
 سفوف كه نافع است از فته قروح كليه و مسانه سفوف كل مختوم دم الاخوين
 انكاسته كثير الكدر مغز تخم خوزه تخم كرفس مغز تخم خيار مغز تخم كدورت
 السوس لك مغبول ريوندي صيني مغز تخم الصندوبر تخم السوسن برر شيخ مسافه
 كوفته و بچنه سرتي دو درم ميمنغ سفوف كه وجع كليه مسانه را تسكين كند
 سفوفان بزر النيج دانكي افيون قيراطي مغز تخم خيارين سه درم تخم كاه
 تخم خرفه از هر يك بگيرم كوفته و بچنه برر شيخ تخم ريوندي سفوف كاه

استر خاورد پان نافع است سفوفان دار صيني حماما سنبيل از هر يك درم
 سداب ناخواه زراوند طويل تخم كرفس شبت مصطكي سپايه و قو
 انيون از هر يك بگيرم مر و ايدنا سفوف كدرا با از هر يك دو درم كوفته و بچنه
 سرتي بگيرم باب كرم يا شراب كنده سفوف كه در استني معين كند
 لك رة عجاج و نبات از هر يك يك سفوف زن برر شيخ سفوف سارون و شبت حمام
 مرد با وجب متكند استن سو و لبطه انكه بعد از ظهر بپوشد و بعضي كوفته از كدورت
 عجاج رازن مفت و زمينوالی روز دو درم با العسل بپوشد و بعد از آن
 جماع دهد استن سو و سفوف كه بول براند و حقت بول را نافع باشد
 سفوفان مغز تخم خيارين مغز تخم كدو و تخم خوزه تخم السوسن كثره كثيرا
 رالسوس از هر يك سه درم بزر النيج دو درم سفوف برر شيخ برر شيخ درم
 با شراب تخم السوسن سفوف كرفي الدم را نافع بود سفوفان كل از صمغ عربي
 كلنار دم الاخوين كندر از هر يك بگيرم كوفته و بچنه با دو درم رت به
 بپوشند سفوف كرفي بغمي را نافع بود و قطع كند سفوفان كندر مصطكي

از هر یک خردم عود خام هفت درم انار دانه پانزده درم و نفل قاقوز بوا
 بسیار سعد نفع از هر یک چهار درم پوست سبج فرج شک از هر یک
 ده درم کل سنج سد رم سنبل امله از هر یک خردم کوفته و خسته سعد
 سازند شترتی سردم سفوف که شهوت طین و شهوت رویه نافع
 سفوف آن اینون کرم کرمس زیره کرمانی ناخواه از هر یک ده درم فلفل سفید
 دو درم و نفل خردم کوفته و خسته شتر بصر ج و سمام که میقال است که همان
 حاصلت دارد و سفوف آن مصطکی زیره کرمانی ناخواه قاقوز طین مساوی است
 برابریم اجزا کوفته و خسته سفوف سازند سفوف که صداع کرم و خشک را نافع
 سفوف آن آب مور و روغن بنفشه از هر یک و شیر و ختران دو جزو یکدیگر بریزند
 ساخته در بنی چکانند سفوف که در روغ و در حبه اطفال نافع است
 کندس حنظل کندر از هر یک یک درم ستقر زعفران فرار از هر یک یک درم کوفته
 و خسته کلواها سازند و بوقت صبحت شیر و ختران بار و روغن بنفشه با دام سازند
 و در سنی چکانند سفوف که صداع بلغمی و ریگی و دوار را نافع است

همه انور

صبرم کندر حنظل حنظل پسته زعفران ستقر و فلفل سفید از هر یک
 یک درم کندس دو درم مک کنده یک درم کوفته و خسته باب زرنکوش در سینه
 سازند و بوقت حاجت آب زرنکوش لبانند و در سینه چکانند سفوف
 و لغوه را سود دارد سفوف آن زهره کلنگ آب زرنکوش با آب بار
 ساپیده در سینه چکانند نافع بود با جسد پسته یا با العسل چکانند سفوف که
 صداع حار را نافع است سفوف آن روغن بنفشه با دام روغن بنفشه روغن کوه
 آب کاهو آب کاشمش در ختران مساوی بهم با بنیزند و در سینه چکانند سفوف
 که نفع دارد لغوه را سود دارد و در سینه چکانند سفوف که نفع دارد
 حل کرده در سینه چکانند سفوف که تحقیق و سر را نافع است سفوف آن روغن بادام
 مزرنکوش در سنی چکانند سفوف که سردی و صداع حار را نافع بود سفوف
 آب مور و عرق پد صندل کافور یکدیگر مخلوط ساخته در سینه چکانند سفوف که صداع
 بار و دنیسان سود دارد سفوف آن جوز بلود و مننه ترکی و نفل مزرنکوش
 از هر یک که میقال بسیار چهار سفوف کوفته و خسته باب مزرنکوش در سینه چکانند

سعدی که خنایر انافع است عصفان سبب باسه کاوزبان از هر یک
 زبره فاریست کافور از هر یک یکدانه نیم زعفران نیم گرم کنند و در آب بریزند
 و روغن گل در پی بجانند سعدی که همین خاصیت دارد و در آب غسل
 مایه ان شیطیح از هر یک یکدانه مسکه شمع تخم خجکشت از هر یک
 سه درم با سرکه و روغن گل در پی بجانند سعدی که فایز و لغوه و شقیقه
 و جمیع امراض برده و رطبه را که در سر و چشم باشد بود دارد و در
 از هر یک دو درم عدس سقر از هر یک سه درم نبات زعفران از هر یک دو درم
 صبر زنیون از هر یک نیم گرم کوفته و بخته باقی فایز فصرها سازند هر یک مقدار
 عدس و در وقت خلوت که از آنها را باب مرزگوش و روغن غلبه با دوام سده
 در پی بجانند سعدی که رفاق انافع است که کاغذ سوخته پوست تخم
 سوخته اقایا مازودر که انداخته و سوخته پوست انار بر سر کنند و
 صدف سوخته سادج مغزول کافور از هر یک در باب با در و در پی بجانند
 سوناب سون سورنگان ضعف انسان را نافع است عصفان سورنگان

قرنفل

قرنفل سعدی که مزاج پوسه است که زرد و صندل سبز و سفید کل سبز مساوی کوفته
 و بخته سون سازند سون که همین خاصیت دارد و صندل آن پوست سوز
 نمک مندی از هر یک نیم گرم قرفه پانزده درم دارچین و سعدان از هر یک سه درم نبات
 یانی و سعد و سماق از هر یک یکدانه کل کوزه کیمتال افاقیه و کلک را از هر یک چهار درم
 زرباد و سنا تزود درم کوفته و بخته سون سازند سون که حافظ تحت سنان
 سمنه آن شام کوزن سوخته که مزاج سعدی است از هر یک چهار درم نمک اندرانی
 یکدانه کوفته و بخته سون سازند سون که دندان از چوک پاک کند سمنه آن
 نمک اندرانی جو سوخته زبدالج سماق سمنه مساوی کوفته و سوخته سوز سازند
 سون که دندان محکم را حکم کند صندل کلک نبات یانی افاقیه مساوی
 کوفته و بخته سون سازند سون که همین خاصیت دارد و صندل آن سمنه آن کلک
 که مزاج مساوی کوفته و بخته سوز سازند و در سایه خشک شود و دیگر باره
 بکوبند و سون سازند سون که نافعت از قهقه در دندان که سبب آن
 درم لسته به صندل آن تخم فوزه کسینر سماق عدس قرفه صندل سفید

عاقور قاقا قور مساوی کوفته و بخت برشته دندان نمائند بعد از آنکه کلاب
 سرکه را یک ساعت در دهن نگاه دارند به سوننی که خون دندان را
 کند و خون باز دارد و صفای آن ساق کوزن سوخته یک اندرانی سوخته بپوش
 بپسند زرد کل سبز از هر یک درم کلنا ر کیدرم اقا قیا سب بیانی
 قرط طب سیر عاقور قاقا مساوی کوفته و بخت سنون سازند سنون که
 دندان را حکم کند و خون رفتن باز دارد و بوردن خونش کند صفای
 بپسند زرد و بپسند آله مقشر کل سبز کلنا ر اقا قیا مساوی کوفته و بخت
 سنون سازند سنون که خون رفتن از پنج دندان باز دارد و صفای
 سب بیانی سوخته بکیرم یک بریان کرده دو درم سماق سرد درم کوفته و
 بخت سنون سازند سنون که در دندان را باغ بهر و بوردن خونش کند
 و خون باز دارد و صفای آن مر اهل خوراک سوز عاقور قاقا مساوی کوفته و بخت
 استعمال نمایند سنون که ناصورین دندان را با صلاح آورد صفای آن پنج سوز عاقور قاقا
 از هر یک بکیرم سب بیانی کلنا ر مازو سماق از هر یک درم کوفته و بخت

اسلام

استعمال نمایند سنون که زردی و سیاهی از دندان سرد و بوی آن
 صفای آن گز مازو زنجبیل زرد الجرد و ر فلفل قاقا از هر یک درم کوفته و بخت
 سنون سازند سنون که خون رفتن از لثه باز دارد و بوی آن
 خونش کند صفای آن سب بیانی بچدرم پودنه کوی درم کوفته و بخت سنون
 سنون که ناصورین از قهقه در دندان هم سبب آن بطوریه به صفای آن
 فلفل دو درم و نیم بوره از هر یک درم و نیم عاقور قاقا زنجبیل مویز از هر یک
 بکیرم کوفته و بخت استعمال نمایند سنون که لثه را حکم کند و بوردن خونش کند
 صفای آن سب کل سبز از هر یک بچدرم کلنا ر مازو فلفل از هر یک درم
 دم الا خون کند و فلفل کلنا ر اندرانی مصطکی پودنه سوخته از هر یک دو درم
 عود خام بکیرم کوفته و بخت استعمال نمایند سنون که بچ دندان بخت کند
 و خون رفتن باز دارد و صفای آن پوست انار سرش درم سب بیانی مرست درم
 عاقور قاقا کل سبز مازو سماق از هر یک چهار درم یک مندر پوست
 بپسند زرد از هر یک درم کوفته و بخت سنون سازند سنون که خون

بکیرم

در وقت که در وقت حاجت دیگر باره بگویند و استعمال نمایند مورخ بنحو دیگر
است فرار و در وقت حاجت بود و دندان از حرکت پاک کند و است
انار و در دم کلنا زرد چوبه سماق لب یمانی مازو از هر یک یکدم کوفته
و چغندر استعمال نمایند نخست با آب شنبلیله و استساق معده را از
اخلاط فاسده پاک کند صفرا آن استساق و در خردم و روق کل سرخ است
در وقت که در وقت حاجت دیگر باره بگویند و استعمال نمایند مورخ بنحو دیگر
است فرار و در وقت حاجت بود و دندان از حرکت پاک کند و است
انار و در دم کلنا زرد چوبه سماق لب یمانی مازو از هر یک یکدم کوفته
و چغندر استعمال نمایند نخست با آب شنبلیله و استساق معده را از
اخلاط فاسده پاک کند صفرا آن استساق و در خردم و روق کل سرخ است

تربیعید در دم در وقت که در وقت حاجت دیگر باره بگویند و استعمال نمایند مورخ بنحو دیگر
است فرار و در وقت حاجت بود و دندان از حرکت پاک کند و است
انار و در دم کلنا زرد چوبه سماق لب یمانی مازو از هر یک یکدم کوفته
و چغندر استعمال نمایند نخست با آب شنبلیله و استساق معده را از
اخلاط فاسده پاک کند صفرا آن استساق و در خردم و روق کل سرخ است

در وقت که در وقت حاجت دیگر باره بگویند و استعمال نمایند مورخ بنحو دیگر
است فرار و در وقت حاجت بود و دندان از حرکت پاک کند و است
انار و در دم کلنا زرد چوبه سماق لب یمانی مازو از هر یک یکدم کوفته
و چغندر استعمال نمایند نخست با آب شنبلیله و استساق معده را از
اخلاط فاسده پاک کند صفرا آن استساق و در خردم و روق کل سرخ است

Handwritten notes at the top of the right page, including the number 54.

بگیرند و هر چنان بکین قند اضافه کنند و بقوام آورند که با اسهال
صفراوی رانافع باشد و قمر باز دارد و تسکین بخشد و معده را قوت دهد
صفقان ریسیل سرد و نبال بکار و چون بنهند در میان جوین
یا سنگین بگویند و آب بکینند و صاف کنند و بچوستانند تا بستی
آید و زمانی بگذارد و بگر باس بپالیند و هر چنان آب بکین قند اضافه کنند
و بقوام آورند که صغیران بکنند و قمر باز دارد و معده بود
مقوی گرداند و خفقان گرم رانافع باشد و صفقان آب حاض بخانه
مستقال قند سفید بکین بستریت بزند چنانکه رسم است که بکین معده را
قوت دهد و شکرها آورد و صفرا بشکند و قمر باز دارد و ماضم را قوت گرداند
و دفع خمار کند و شراب نارنج مانند صاف است و تسکین بخشد و دماغ را
قوت دهد و در سردی که از سردی بکین گرداند صفقان نارنج بکین
بچوستانند تا بنصف آید و کف زرد آن بردارند و بادوسن قند بستریت بزند
شراب بنورده تسکین بخشد و تب گرم را سود دارد و دفع خمار کند

Handwritten marginal notes on the right side of the page, including the number 54 and various medical terms.

Handwritten notes at the bottom of the right page.

Handwritten notes at the top of the left page, including the number 55.

اسفنجی بکینند و بچوستانند تا بنصف آید و کف آن بکینند و زمانی بگذارد
و بگر باس بپالیند و هر چنان آب بکین قند سفید اضافه کنند و بستریت
ببزند که آب عود معده را قوت دهد و بوی هر خج بشکند و ماضم را قوت
گرداند صفقان عود مندی و اوله مقتر از هر یک ده درم سنبل و قمر
و مصطکی و جوزبو از هر یک دو درم و نیم مجموع بهم کوفته در کسکین بکینند
و در سه چهار یک کلاب بچوستانند و کیه را نیک بالند تا قوت آن بکلا
دهد و بکین قند بقوام آورند و آن کلاب بر سر آن ریزند و دیگر باره
بچوستانند تا بقوام آید فرو گیرند و نیم درم کد خالص سوخته در آن
حل کنند که با اس معده را قوت دهد و اسهال را باز دارد و صفقان
حب الاس امرود خشک از هر یک نیم درم قوط و طریت از هر یک دو درم آب
و سبب و آب نار از هر یک یک درم و کوفته در این آنها بچوستانند تا بستی
آید و بپالیند و دیگر باره بچوستانند تا بقوام آید که با اسهال بکینند
اسهال با سرفه رانافع بچوستانند آن حب الاس را بکینند و بچوستانند تا نیک

Handwritten marginal notes on the left side of the page, including the number 55 and various medical terms.

Handwritten notes at the bottom of the left page.

بید و اگر این دارو داخل کنند بهتر است قزو نقل ز چهل
 حاقه جزوه مصطکی خود از هر یک تخم پقال زعفران کمیقال مسکه مخدرم در
 قرضه کنند بعد از آن چهار روز بگذارند و استعمال کنند هر وقت
 استقامت در آب میباشند باز آن آب بریزند و یک بار نوز و یک بار
 تانه میباشند بعد از آن مسکه و یک کوزه میباشند تا نیم کوزه شود از نگاه مسکه
 صاف بر سر آن کنند و تاس نرم بچسباند تا بقوام آید و زطره کنند
 بعد از چهار روز تناول نمایند هر روز مقدار قوت دهد و سرخ آورد
 مشق آن کوکت ترجیح دارد و یک کنند و باب بچسباند تا نیم کوزه شود و بر
 از یک پرون آوند و غلبه سازند و غسل صاف بر سر آن کنند و تاس
 نرم بچسباند تا بقوام آید و اگر تقید خواهند چینی است اما مریا بکنک
 و سقاقل و هلیله و عسل بهتر است هر چه چسب کرده و سانه و معده
 نافع است و بول براند و تنهای بنجر اسود دارد و با هر از یاده کنند
 برنجیل آرد خوب در زیر یک کنند تا بخت روز هر روز آب بر سر آن

بیرزند

ببازد
 بریزند و در هر چند درم روغن ده درم لادن در وقت فرو گرفتن بنزد از نمانا
 و فرو گیرند و شب مع بر اجر کنند و صباح در حمام بشویند تا سماه سیاهی بماند
 و غسول بکیر که موی سیاه کند و از افشاد و ج روغین نگاه دارد و ساج
 هندی جاما حنظل مکی لادن آمل از هر یک چند درم کوفته در سرطل آب
 بریزند تا بر طلی آید و بکیر طلی روغن کجدر بر آن بریزند و میباشند تا آب برو
 و روغن بماند و هر روز آب کجدر و آب برک جعفر سلیویند و این روغن
 میمانند و غسول مکی موی سیاه کند و سماه سیاهی آن بماند و غسول
 بستاند جز هندی و سر آن بر گیرند و مغز آن پرون کنند و بچسباند درم آن
 مغز پاده درم آمل و دو درم براده آسن و نیم درم بوره از سر در هم بسیند
 خورد و در میان آن جوز نشند و سر آن خمیر محکم کنند و تمام آن جوز را
 در کل حکمت گیرند و در میان آتش نشند چند آنکه کیساعت نجومی بگذرد
 از آتش پرون آوند روغنی که از آن حاصل شود در موی مانند که مقصود
 حاصل شود روغن صفا موی سیاه کند و عرق التنا و او جاع مفصل

ببازد
 بکیر که موی سیاه کند
 و از افشاد و ج روغین نگاه دارد
 و ساج هندی جاما حنظل مکی لادن
 آمل از هر یک چند درم کوفته در سرطل آب
 بریزند تا بر طلی آید و بکیر طلی روغن کجدر
 بر آن بریزند و میباشند تا آب برو و روغن
 بماند و هر روز آب کجدر و آب برک جعفر
 سلیویند و این روغن میمانند و غسول مکی
 موی سیاه کند و سماه سیاهی آن بماند
 و غسول بستاند جز هندی و سر آن بر گیرند
 و مغز آن پرون کنند و بچسباند درم آن
 مغز پاده درم آمل و دو درم براده آسن
 و نیم درم بوره از سر در هم بسیند خورد
 و در میان آن جوز نشند و سر آن خمیر
 محکم کنند و تمام آن جوز را در کل حکمت
 گیرند و در میان آتش نشند چند آنکه
 کیساعت نجومی بگذرد از آتش پرون
 آوند روغنی که از آن حاصل شود در موی
 مانند که مقصود حاصل شود روغن صفا
 موی سیاه کند و عرق التنا و او جاع
 مفصل

که ازان بچکد نگاهدارند و در وقت سنازه را باره بار و کند و بپران
 ریونند و بعد مندی خطبیا با پوست پنج کبر از هر یک یک
 دقیقه روغن بادام تلخ کثیر طل دارو تا کوفته و سخته درشت کشند و روغن
 بر سر آن ریزند و کهنه در آفتاب بگذارند بعد ازان بیالایند و
 عقرب زنده در آن اندازند و سر سینه میشند و کهنه دیگر در آفتاب
 بگذارند پس بیالایند و دو قطره ازان در اکلیل چکانند و در منقول
 از قانون اوجاع با دوده احسا و قونج و معص کچی را نافع باشد و با دما
 غلیظ را دفع کند و در کوش ساکن گرداند و چون بر بنی چکانند صداع و
 سعتف باره راسود و در رنگ را خوب گرداند و رحم را گرم گرداند و چون
 در اصل چکانند امراض مسانه راسود مند بود و با دمای غلیظ را دفع کند
 و این روغن اسرف روغن است و منافع این بسیار است
 نقصه التدریره سعد ورق الفار خود بلسان لک سعد مندر برک مورد
 از خرابی اسان قرومانا فر خوش مساوی یکم کوفته در سیراب آغشیانند

یک گمان اوز

یک شب نوز روز دیگر صاف کنند و بار روغن کبکد کجوستا نند تا آب برود و روغن
 روغن نارون منبجه دیگر اورام صلبه معده را نافع است
 یکطل سنبلی نم دقیقه مصطکی قسط سعد از تر قصبه التدریره از هر یک یکم
 کوفته در سینه کشند و سر سلس علم سازند و کهنه در آفتاب بگذارند و بعد
 صاف کنند و او را دیگر باره در آن ریزند و پنجین تا سه نوبت بعد از
 صاف کرده استعمال نمایند و در آفتاب سناک کرده و مست نه بریزند
 آن را بگیرند عقرب را در سینه کشند و سر سینه محکم سازند و در کل حکمت گرداند
 و در نور گرم نهند سماعت پس پروان آزند و بکوبند و کبر سیریه بریزند
 یکدک استعمال نمایند و با سینه کشند و در سینه کشند و معده را تقوی
 گرداند و دفع بلغم بود و بوی دهن خوش کند و آب فتن از دمان باز دارد
 و با دما کشند و یک از مسانه پاکند و سر سینه کشند
 کوز تخم سلف سبت ناگناه رازیانه متو تخم خوزه متو تخم باوز نک پنج کوش
 از هر یک تخم انتقال عاقر ققاز عفران مصطکی عود خام از هر یک یکم

زهر یک نخچه درم است به و برنجین با چوستانند چند آنکه برنجین که باخته
 بقوام آید پس در او ماکوفته و پخته بان برشند این جمله در شربت
 سده جگر کشید و معده را قوت دهد و دفع قی کند و لون
 بیکو گرداند و استهای طعام آورد و صفه آن به اصفهانی را از پوست
 پاک کند نیم در در سرکه چوستانند تا ماهر اسوده و بعد از آن بکوبند و نمک
 غسل بر سر آن ریزند و چوستانند تا بقوام آید فرو گیرند و این در او
 کوفته و پخته بان برشند و بزنجبیل فلفل در فلفل از هر یک چهار درم
 کرم کوشن را خواه زعفران از هر یک دو درم سترتی چهار مثقال سترتی
 بادمای غلیظ را دفع کند و در دندان و قولنج و عسر البول بلغمی را سود دارد
 و سده جگر کشید و صلابت از آن خلیل کند و معده را گرم گرداند و کتله را
 نافع بود و سرد مزاج را موافق باشد **سنت** آن چند ستر در صحتی
 اینون اسارون فومود و قواز هر یک یک درم فلفل قسط باز و در فلفل
 سردم زعفران نیم درم باز و در غسل بگذارد و در او ماکوفته

دو

و پخته بان برشند و بعد از نسیم استقال کنند سترتی نیم مثقال آید
 باک گرم نافع بود **سنت** آن دفع صفرا کند و محرور مزاج را موافق
 باشد و تبهای حاد و جگر گرم را نافع باشد و شکمی نباشد و بول براند
 و سده جگر کشید **سنت** آن قند سفید یک درم دیگر کشید و یک چهارک
 سرکه صاف بروی آن ریزند و چوستانند تا بقوام آید و یک ذره کلاه
 بر سر آن ریزند و فرو گیرند **سنت** آن سده جگر کشید و بول
 براند و استقا و تبهای حاد و نافع بود و شکمی نباشد **سنت** آن
 پوست تخم کاسنی هفت درم سه تخم خیار و کاهود کاه از هر یک یک درم بکوفته
 در آب کشید و یک چهارک سرکه صاف کشید یک شبانه روز روز دیگر چوستانند
 و پالایند و با یک قند بقوام آورند و بر سر آن کشند و دیگر باره چوستانند
 تا بقوام آید فرو گیرند **سنت** آن سده جگر و معده یک بول
 براند و فضول را از معده پاک کند و استقی را نافع باشد **سنت** آن
 تخم کاسنی بکوفته تخم کوشن کوشن را زیاده نسیون از هر یک یک درم

پوست پنج راز یا نه پوست پنج کرمش از هر یک درم در آب سرد کشند
 چنانکه ذکر رفت و یکم قند اضافی نموده بقوام آورند ^{و در آب سرد کشند}
 برفقان و درد جگر را که اگر کرمی باشد سود دارد ^{و در آب سرد کشند} کرم کرمش تخم
 کاسنی بکوفته است متعال تخم است هره تخم کثوث از هر یک درم
 ریوندر چینی خچرم ریوندر کوفته در کسب بندند و با دیره های دیگر در دو
 آب جویستند و زمان زمان کمی ریوندر را بدست میمانند تا شیر تمام
 باز دهد و بعد از آن صاف کنند و با یکم قند و چهار مثقال سیر و سرکه
 بچوستند تا بقوام آید و سرتی با نروده درم یا خچرم کلاب ^{و در آب سرد کشند}
 بنوعی دیگر در جگر سود دارد و سده کلاب و طبع آن گرم است ^{و در آب سرد کشند}
 سی درم تربید سفید سفید تخم کاسنی بکوفته از هر یک است درم عاریت
 خچرم مجموع را در دو سن آب جویستند و سه درم دودانک زنجبیل کوفته
 اضافی نمایند و صاف کنند و با یکم چرب که و یکم نم قند چنانکه ذکر رفت
 بقوام آورند ^{و در آب سرد کشند} سده سیر و جگر کسباید و بول براند

درمها

و تهای هر کسب را نافع بود و صفت آن تخم کاسنی راز یا نه تخم کرمش از هر یک درم
 سه تخم از هر یک خچرم پوست پنج کاسنی پوست پنج راز یا نه از هر یک معتمد
 مجموع بکوفته در سه رطل آب و است درم سر کوفته است شبانه روز
 روز دیگر کوشانند و با یکم قند بقوام آورند ^{و در آب سرد کشند} تهای محف
 و جگر و سینه گرم ^{و در آب سرد کشند} آب انار ترش سیرین از هر
 یک سمن بچوستند تا بقوام آید و قدر زرشک و سرکه صاف کچماک
 و قند یکم اضافی کنند و بچوستند تا بقوام آید و ابو عوض سرکه نمند کنند
 تا آید ^{و در آب سرد کشند} چنانچه معده و جگر را قوه دید و تهای طعام آورد سده
 جگر کلاب دید و نا قهار امید بود و مضم طعام کند ^{و در آب سرد کشند} آب صاف کرده
 یکم یا یک چهار یک سرکه و یکم قند بچوستند و بقوام آورند و اگر کجایی
 سرکه آب لیمو کنند تا آید ^{و در آب سرد کشند} چنانچه که همان غلیظت دارد
 آب بنجابه مستقال سرکه صاف و کلاب آب لیمو از هر یک مستقال قند سفید
 یکم بچوستند تا بقوام آید ^{و در آب سرد کشند} چنانچه که صلابت سیر را نافع باشد

پمالايند و نگاهدارند پس از طعام سمي متقال استعمال نمايند که در
 سخت کند و بوی من برود و آن بکیرند باز غصص بکار و چون بک
 کنند و در پیمان کنند چنانچه بکیرند و چهل روز در پیمان نگاهدارند
 تا خشک شود بعد از آن در ظرفی کنند و بر کیمین یا زرنه من که گند
 داخل نمایند و ماه در آفتاب بگذارند و نگاهدارند و در وقت
 گرم را سود دارد و شش دانگ کل سرخ طبایر از هر یک سه درم شیر خشک
 دو درم بست جو و اریدنا سفید از هر یک یک درم کافور انکی سترتی
 دو درم با کچین سفید صلی سفید و خفقان هر دو را سود دارد
 آن در پنج عطری لسان الثور از هر یک یک درم زرنه دو درم کوفته
 و خخته سترتی یک مثقال با یک چهار یک ستر که نه با مار العسل
 معده سرد و تر را سود دارد و شش دانگ و نفل کبابه از هر یک یک درم
 سنبلی صطکی از هر یک سه درم عود خام سبت درم سکر طبرزد بوزن نیم
 سترتی یک مثقال با ده درم کلقت سفید و شکر طبرزد و شکر طبرزد

زنا

زنا جانم را نافع باشد شش دانگ قافله خیر بواکبه مساو سکر بوزن
 نیم سترتی دو درم باب کرم سفید یک مثقال کاسنی کوزن زرد سکنجبین
 عدس سفید سماق کل سرخ طبایر مساو کوفته و خخته سترتی سه درم
 با یکس طسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشند و در وقت
 منی کنند و آن یک کرم مغز بادام شیرین و بلخ فودنه از هر یک سه درم
 تا خواهد که سداب برود کرمانی از هر یک یک درم کوفته و خخته در آب انار حل کرده
 سترتی سه درم باز خورد و سفید بادامی معده دفع کنند و معده را از
 غلیظ پاک سازد و شش دانگ تا خواهد که کرفس از هر یک یک درم کندر چهار درم
 قهقار اذخر قسط مصطکی از هر یک سه درم سفندان سفید سی درم کوفته
 و خخته با فانید کبرشتند ستر ستر یک درم سفید و خخته اسهال بجز با زرد
 سفندان جو پیر بیان کرده سه درم تا خواهد که کندر نیم درم کوفته و خخته با
 کرم بنوشند و سفید با بوی سیرو منفاصل و معوض اسهال کنند
 و ترازد صغیف معده را نافع باشد شش دانگ تخم زرد نیز که سبت درم

ریوه کرمانی در سر کب خیس استند و خشک کرده و بریان کرده چمخال زبرک
 و کم کندنا و هلیک سیاه در روغن زیت بریان کرده از هر یک دو مثقال
 مصطکی مثقالی کوفته و چخته سوای تخم تره تیرک تری دو درم سب مرو
 سدق کرم سلس البوال النافع است بلوط بخار و در کندر گام
 شیره خشک بریان کرده کل از سر صمغ عربی از هر یک دو درم کلندار
 کزبانج از هر یک تخم سب تری سردم بایغ خالص سفوف که بمین
 خاصیت دارد و تفتان کندر سعد و لجان زیره کرمانی بلوط حب لاس
 مساو کوفته و چخته بنوشند سفوف مسکه معده و کبر و اوج فعال
 و هر ضرر که سب آن استلاب است نافع بود و سفوف آن که طعام درم
 فلفل سفید است درم زنجبیل با تره درم انیسون مغز تخم چمر صرناخ
 نوساد و فلفل سیاه فودنه کوهی از هر یک دو درم کوفته و چخته تری سردم
 باب کرم سفوف که ورم کبر را نافع است با سفوف آن هلیک سیاه پوست
 هلیک کبابی از هر یک چهارم تخم کزک و انیسون و ازمانه از هر یک یک درم

دگر

و چخته تری سردم یک سیاه سفوف که ورم کبر را سود دارد و بوج
 براند سفوف تخم خربزه تخم خیارین از هر یک یک درم تخم کمانی و تخم کثوث
 از هر یک سه درم تخم کزک انیسون را از زمانه رتبه شش از هر یک دو درم
 عصاره زرشک چهار درم ریوند چینی که مثقال یک مغبول چهار درم
 زعفران سنبل صطکی استنخین از هر یک یک درم کافور دو دانگ تری سردم
 سفوف تخم خفید بخار و درم در سر که و قدری آب صندل یک بوز
 و خشک کنند و برنج سفید خشک کرده و زمان سیده خشک کرده از هر یک یک
 مغز بادام مغز نصرت درم کشک کشک کندم از هر یک یک درم تخم سفید
 سردم سکر طبرزد نیم مجسم کوفته و چخته در یکدیگر مخلوط سازند و هر
 صبح با سی درم شیر تازه پاشند و در صبح از صحنه ز صیر مجرب است
 آن تخم تره تیرک بریان کرده بزرقطونای بریان کرده اهل بریان
 کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی تخم کندنا تخم کثوث تخم کمانی
 بزرقطونای از هر یک دو درم و نیم انیسون سه درم و دانگی کوفته و چخته دو درم

از آن سفوف سازند سفوف کثیف آید از آن نافع با سفوف طبیب
 کل رخ کل از نی کل محتوم سناوچ عدسی مغسول تخم خرفه از هر یک بخورم
 بسبب که با مرور پیدا نماند تخم سفسفید رسته ساقاقیا عصاره
 طیبه التیس از هر یک سه درم بزرقطونا پست درم افنون دو درم مجموع کوفته
 سوای بزرقطونا سفوف سازند سترتی دو درم با آب باران یا آب
 بر خورده اگر حورارت فوری نباشد سه درم کند از اضافی این دارو نماند
 سفوف از آن ضعیف معده و امعاء و اسهال مرار از نافع به سفوف
 انار در بیان کرده دو درم بلوط سماق زیزیره کرمانی سد بر صلبه لاس
 سنجید شیر خشک بریان کرده خونوار کند از هر یک بخورم عود خام
 نیدرم امه کیمیکال کوفته و نخته باریک استمال نمایند سترتی سه درم
 و از اسفوف الشیتر کوبند اسهال مرار و موسوی نافع بود بزرقطونا
 تخم ریجان تخم مردک سترتی تخم حامضی بریان کرده صمغ عربی کل از
 طباشیر مساوی کوفته و نخته بغیر از سترتی اول در یکدیگر با پیرند سترتی

برو عن کل ما بود ام حرب کرده و بکلاب تبر کرده فرورد نافع بود
 همه تر حرو و وجع امعاء و نوح نافع است آن تخم خطمقشر و تخم خندان
 مقشر از هر یک بخورم سترتی بریان کرده سه درم صمغ عربی کل از
 از هر یک دو درم کوفته و نخته سترتی سه درم صمغ و سه درم سبابلی
 که کل از رو طباشیر و صمغ عربی در آن منقوع باشد نافع به سفوف
 شکم پیدا و ضعف معده از نافع بود سفوف سماق ناخواه بخیل انار
 بریان کرده زرشک منقی ارگون از هر یک دو درم نبات سفید
 پست درم کوفته و نخته سترتی کیمیکال سفوف نفوس و مفصل
 و عرق الشیتر از نافع به سفوف سورنجان مصر درم سناو کلی
 اصف درم پوست بلبل زرد مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران
 نیدرم سقمونیای کیدرم قد سفید درم اگر ماوه بلغی باشد تر سفید بخ
 سفوف اضافی نمایند و سقمونیای کیدرم زیاد کنند سفوف
 مسلول را بغایت نافع بود سفوف آن سرطان نوری و کبری سوخته

دو درم طین قبری صمغ عربی صمغ حبیبی و سیاه مغز تخم خربزه از هر یک
 بجزرم کوفته و پخته سترتی کمیقال با ستراب انار سیرین یا ستراب
 صمغ حبیبی که سنگ ز کرده و مستانه اطفال پاک کند صفت
 مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ الوقاب ساری کوفته و پخته سترتی بیدار
 تا بیدار شود که خفقان گرم را نافع بود کل از هر یک شکر
 از هر یک بیدار طبع کبریا از هر یک بیدار کافور نیکانک کوفته و پخته
 بادون کاوه و هند نافع باشد صفت که از هر یک سنگ ساخته بود در
 و تباهی معده و زردی روی را و سوسن و سیان و اگر امراض را
 نافع باشد و طعام را هضم کند و بوی دهن ببرد و دل را قوت دهد
 قرفه ساج عود بلسان اسارون مصطکی بیدار کانی فلنج شک نارنگ
 و زیره کرمانی دار چینی فلفل در فلفل زنجبیل قرفل ناروانه خوروا
 کافور قاقله از هر یک دو درم مسک عنبر از هر یک بیدار نبات سبز
 وزن ادویه سترتی بیدار و تاسه درم صمغ حبیبی سنگی نیکانک و سوسن

معدن را

معدن را نافع بود صمغ حبیبی سماق ده درم حبیبی انار و انار بریان کرده
 از هر یک بجزرم حلویت پانزده درم صمغ عربی کلنار از هر یک دو درم کوفته
 و پخته سترتی کمیقال صمغ حبیبی معده سرد و تر را نافع با جگر را قوت دهد
 صمغ حبیبی که مغز حبیبی بلوط مصطکی باز و عود بلسان پوست انار
 از هر یک چهار درم زنجبیل کند از هر یک بیدار نبات بجا درم سترتی صفت
 کوفته استعمال نمایند و گوشت بخورند صفت که از هر یک سنگ ساخته
 بود خام ریوند پسی کل سرخ زیره مدبر کرد یا مدبر بر آب سوسن مغز تخم
 خیارین نفع خشک از هر یک کمیقال کوفته و پخته سفوف سازند
 سترتی کمیقال با کلاب سفوف که فواق بلغمی دفع کند صفت که
 تخم کرفس فطر اسالیون سعد از هر یک دو درم و نیم و قوا پوست برون
 اینسون فودنه اسارون قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم و نیم بیدار
 سترتی دو درم صمغ حبیبی که در دجبر و سبج را ببرد و صفت که کل سر
 هست درم زرسک بجزرم سنبل مصطکی عصارة غافق قشتین

رومی ریوند چینی از هر یک دو درم فجاج از خراسان و ان البسوس از هر
 دو درم و نیم زعفران یک درم سترتی دو درم با کجین سفوف که عوار
 کبریت باند و خمار دفع کند و اسهال صفراوی را باز دارد و غلبه خون را
 ساکن کند و کسی که آبله بر خواهد آورد سود دارد و غشایک و زرق کل سرخ
 ده درم طبک پیره درم سماق و تخم خماض عدس منسوز رشک تخم
 خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از هر یک یک درم صندل سفید دو درم نیم
 کافور یک درم سترتی سه درم با ستراب خماض با ستراب عوجه یا ستراب انار
 سفوفی خون بسیار که از زخم رود باز دارد و غشایک که هر حال
 از منی کلنا روم الاخوین مکس اووی کوفته و نخته سترتی سه درم با یکدیگر
 اینون در یک دقه نقیص سماق حل کرده دهند و غشایک که ختم بول
 دم نافع با سفوف است و کچ مغسول دم الاخوین بس که با ستراب
 کلنا رتخ خرفه کل از منی کل قبری مساوی کوفته و نخته سترتی دو درم با
 سماق سفوف سوری اوجاع مفاسل را نافع با سفوف است سورجیا

هفت درم زیره کرمانی بریان کرده خود نه کوهی از هر یک دو درم فلفل کبیر
 قند سفید دو از ده درم کوفته و نخته سترتی دو درم سفوف است که کوفته
 و مستانه را پاک کند و پاره پاره پروان آورد و مغز تخم خیار سبز مغز تخم
 کدو و مغز تخم خربزه از هر یک یک درم خشک مرئی چهار درم حجر الیهود و قلیت
 از هر یک سه درم تخم کرفس سیاه سیاه فطر اسایون از هر یک یک درم صمغ عربی
 کثیر از هر یک یک مثقال کوفته و نخته سترتی دو درم با ستراب کبیر
 که در ساعت یک بخورد و سفوف است که سناه بلوط سه درم ماز و پوست انار
 از هر یک چهار درم کرد سماق شش درم حب الاس هفت درم کوفته و نخته
 سترتی دو درم باب سرد سفوف است که سهواک در دینه زمان حاد را دفع کند
 و معده را قوت دهد و سترهای طعام آورد و سفوف است که زرباد تخم کرفس
 ناکواه و زیره کرمانی از هر یک دو درم کندر سه درم کچ متوشده درم ستر
 نود مثقال کوفته و نخته سفوف سازند و سفوف است که دفع سرعت انزال کند
 طبایع خشخاش انیسون کندر از هر یک یک درم خور الیهود سه درم

کوفته و پخته سستی دودرم با سرخس ساق که مدقوق و مسلول با
 و قروح سینه و نفث المده را نافع بود و سعال صمغ عربی از سست که نیز مغز
 سس س سفید تخم کاهو تخم خطمی از هر یک سدرم صندل سفید دودرم
 سکه لیسیر از هر یک سدرم و زرق کل سر تخم خبازی تخم
 خرفه از هر یک سدرم تخم خبازین مغز تخم کدو عصاره لسان الحمل
 کل تخم کل از تر قرسی از هر یک چهاردم زعفران یکدم کوفته و پخته
 سستی دو منتقال با نیم دانگ کافور و دودانگ ماد است طمان سبر
 سس س سیر تخم خرفه نافع بود سس که با دافع کند و استقا
 طبی را نافع بود سس تخم کرفس از یانه اینون اسارون مستطیر یونده
 از هر یک دودرم زیره کرمانی سدرم سنبه و سعدان هر یک یکدم نیم کوفته
 و پخته سستی منتقال سس که اسهال معدی را نافع است
 انار دانه بریان کرده اردکن رازدخدا از هر یک دودرم کسیر خشک بریان
 کرده خدرم جنوب بنظر و بلوط و بر کر فیه اندو یک سبانه زودر

خدا

خشک ده و بریان کرده از هر یک یکدم سماق سدرم کوفته و پخته
 سس که قوره سانه را نافع باشد سس آن دم الا حین سادج مغسول
 زک است تخم کرفس از هر یک یکدم صمغ عربی یکدم سوسپا دودرم
 کالنج دودرم کوفته و پخته سس دودرم با سرخس ساق سس
 دو سستاری کدی نافع است معده و دل حکم را قوت دهد و سس
 بنشند سس آن مروارید سس پخته کنگر کسیر جنوب کل
 کل قرسی تخم کل صندل سفید با شنگ بریان کرده تخم حمض بلوط بریان
 کرده تخم مورد دست کنار ارد سس کسیر خشک بریان کرده طراش تخم خرفه
 بریان کرده بزرقطونای بریان کرده از هر یک سدرم کل مختوم و مصطکی
 از هر یک یکدم انار دانه خدرم کهر با و اقا قیامی مغسول از هر یک دودرم
 کوفته و پخته بغیر از با شنگ و بزرقطوناسفوف ما زند سس
 تخم حمض زرشک به دانه کسیر خشک بریان کرده کل مزج
 جنوب سس بلوط طباسیر از هر یک یکدم سماق و سس لاس از هر یک دودرم

انار دانه چهار درم کوفته و چغندر سفوف سازند سفوف اسهال معدی او را
 معده را نافع بود و صفت آن خربوب بطنی می دانه زیره کرمانی مدبر سماق
 بست کنار حب الاس مصطکی بلوط کهنه زخند بریان کرده مساوی
 کوفته و چغندر سرتبی کمی بقال نارب مورد نافع باشد ^{با آب کهنه}
 و معده را قوت دهد ^{و صفت آن} کردیا انیسون زیره کرمانی قاقله خرفه
 ناخواه کج کرش از هر یک دو درم قرنفل نیم درم بخیل در نافع از هر یک
 دو دانگ قند سفید پست منقار کوفته و چغندر سرتبی دو درم سفوف
 بلخیب بسک میند و معده را قوت دهد ^{و صفت آن} دایگور و صمغ عربی
 از هر یک چهار درم حب الاس و سماق از هر یک دو درم مصطکی کلندر
 از هر یک یک درم کوفته و چغندر سفوف سازند سفوف که نافع است از چغندر
 اسهال که با آن سرفه با ^{و صفت آن} حب الاس شاه بلوط صحنی اس خربوب
 از هر یک دو درم صمغ عربی یک درم کوفته و چغندر سرتبی سه درم ^{و صفت آن}
 همان خاصیت دارد ^{و صفت آن} صمغ عربی طباسیر کمال از هر حب الاس

انار

از هر یک دانه کوفته و چغندر بکل حب سازند ^{و صفت آن} که بوی سیرو پازو
 از دانه بر دانه آن پوست تریخ مرکب میں پنجس کما میسب با
 از هر یک یک درم مشک و طباسیر از هر یک یک درم عنبر نیم مثقال صندل سفوف
 بکلار و دو درم صمغ عربی و انکی بکلار حب سازند ^{و صفت آن} که همان خاصیت
 دارد و این عمل کند ^{و صفت آن} کبابه و قرنفل طباسیر از هر یک دو درم مشک
 دانه عنبر نیم درم خود یک درم کوفته و چغندر بکلانی که صمغ عربی در آن مفتوح باشد
 سرتبی سازند ^{و صفت آن} سفوف سفوف خون فتن از ابو اسیر باز دارد ^{و صفت آن}
 بلبله سیاه پوست ملیله کابلی پوست ملیله آمدن منقار منقل از هر یک دو درم
 مرجان کبریا و دغ سوخته از هر یک یک درم منقل یاد را آب منکرون حل کنند و در
 صلیب کرده بان برشند و حب سازند سرتبی دو درم ^{و صفت آن} که همان
 خاصیت دارد ^{و صفت آن} ملیله کابلی بریان کرده بروغن کاجوسی درم کبریا ده
 منقل برابر هم بایگ کنند تا حل شود و ادویه را کوفته و چغندر بان بسازند
 و حب سازند سرتبی دو درم ^{و صفت آن} طبیعت بریند و خون فتن

صفت کاسحاق دو درم مازو یک درم پوست انار یک درم حب لاس دو درم
 عجم یک درم کوفته و نخته بکباب صمغ عربی حساب سازند سترتی دو درم
 بکباب مورد بدند و از عجب آن پاره آب سرد باز خوردن چه که بهمان
 خون باز دارد و سندان مازوی کسب کز ما زج امینون مساوی بکباب
 حساب سازند سترتی دو درم که اسهال بطنی باز دارد و سندان
 مرقه چند پند ستر امینون مساوی کوفته و نخته حساب سازند هر یک مقابل
 یک فنل سترتی سه حساب پنج حساب سه حساب سه حساب سه حساب سه حساب
 باشد کاهی که در حرارت و تب باشد سندان چند پند ستر سارون
 معده سالیه بزرگ سیاه کندر مساوی بکباب حساب سازند سترتی دو درم
 حسابی که در سائت کسب بپزند سندان امینون یک درم قاقیا دو درم
 کل کز ساق حب لاس از هر یک چهار درم کوفته و نخته بانی که صمغ عربی در آن
 مغنوج پسند حساب سازند سترتی نیم سندان حسابی که لغوه در تمام آورد
 و در بطواترال اترال لری تمام دارد و سندان عود نام و فنل مرقه کباب

فلفل

فلفل از هر یک سه درم زعفران یک درم لیمو یک درم کور و دو درم در فنل تخم بابونه
 مروریز سندان از هر یک یک درم کوفته و نخته با فندک بجوم آورد و حب
 سازند هر یک مقدار کوفته و نخته که مسکن بوی است سندان
 مصدک حب الغار یک درم زعفران فنل فنل چند پند ستر سندان
 عاقرقون از هر یک یک سندان مسک و امالی امون کسب کباب
 حساب سازند سترتی یک درم حقیقت حیات و سرسام و امال امون کسب کباب
 و طبع مازو کسب کباب سندان بنفشه سفید ستر کوفته سه حساب
 که خطی اکسیر الملک از هر یک کف انجیر خعد در سندان کسب کباب
 آید بیابان بپزند و سکر سنج خردم روغن غنچه بادام و در روغن کسب کباب
 ابکار خردم انشانه نمایند و نیم گرم حقه کنند سندان سکر سکر کسب کباب
 بنفشه سندان خطمی بون اکسیر الملک سندان سکر سکر کسب کباب
 از هر یک کسب کباب بپزند چنانکه رسم است و بیابان و درم فایند و درم
 بود و منی و یک درم کسب کباب و پانزده درم روغن سیر و افغان کنند

و استعمال نمایند با الحی و خند ثقیون برو و در معده و احتیاج و حکم
 نافع باشد و ما ضمیر را قوت دهد و از برای پران مخیر بود و در شراب
 کهنه ده رطل غسل صاف سرد رطل کهنه بیله و درم قاقلیه خیره و از عفران
 از هر یک یکمیتقال قرنفل و مشک از هر یک نیم درم و در صندل و فلفل از هر یک
 یکدرم از ویه را نیمه گرفته کنند سوای مشک زعفران و در کیه کنند و کیره
 محکم بنهند و در آب و غسل بچوشانند و کبیه در آن اندازند و پیرا
 بدست میمالند تا شراب بقوام آید پس کبیه را برودند و مشک و زعفران
 در آن حل کنند و غسلا که مویرا بپا کند غسلا آن ماز و یک رطل کتیرا روی
 سوخته شب یامانی از هر یک یکدرم نول و در چوب درم نمک اندرانی
 دو درم ماز و در روغن زیت کچوشانند تا سق شود و با او دید دیگر
 بگویند و باب گرم برشند و بگذارند تا چهار ساعت بعد از آن سرور
 بسیند و خشک کنند و خضاب و بالند و بعد از آن ساقی باب
 نیمدرم بسیند و خضاب کبیرا کل سقایی دو درم املا متفرق بورت با قلا در تر

از هر یک

از هر یک دو درم سفیدارک نیز مرد اسکنان از هر یک یکدرم قیومیا
 چندم کوفته و پخته باب کاز لبرشند و کلوا لها سازند بر مثال
 بعین و در وقت حاجت یکی را از آن باب تیر تازه بسیند و طلا
 کنند طلالی که صداع بار در اسود دارد و صفا آن ملک صبر فرقی
 چند پند تر صمغ عربی عود زعفران از هر یک دو دانگ امینون دانگی و نیم
 باب کرس یا آب مرزنگوش تر سازند و بر کاغذ باره کنند و برستی
 و صدغین اندازند طلالی که کرم را بیند و اسهال از دارد
 افاقیا سعدر کندر کوک جوزالسه و ماز و کل سنج اوله کل از منی کا و کرا
 رنج کلنار عدس با و طبرزنج صندل باب مورد یا آب بر سب کلام
 کنند طلالی که چون بر خصیه اطفال مالند کند از زنده که بزرگ شود
 قیومیا سفیدارک از زهر از هر یک دو درم سب یامانی و ماز و از هر یک یکدرم
 و نیم کوفته و پخته بعل و روغن مورد چند نوبه طلا کنند طلالی که استتفا
 طحی را نافع است در غشای آن در منته ترکی صدق سوخته بود از منی مرگین

طلالی

کرم

طحی

کرم

با کبک نیز تازویا یک شنی طلا کند طلائی که سر او را نافع بود
 حکم بر کدوم مریب با قیاس قیاسا از هر یک دو درم زعفران نیم درم کوفته
 و چغندر باب مجورد با آب کهن طلا کنند طلائی که در کسب رانند و در
 سالن گرداند صفت آن حدیثی است که مندرج است از هر یک دو درم که موز
 و انکی و نیم باب کهن بر پستانی و در جگر طلا کنند طلائی که حمور را نافع بود
 آن صبر زعفران با قیاس فلفل کل از منی صندل سرخ سیاق با منی
 با کبک سنی از عنب الثعلب طلا کنند طلائی که سکت را نافع بود صفت
 خود را چند پسترسر که کند بر هر طلا کنند بعد از آنکه سر را پسترسر کنند
 طلائی که لقوه را سود دارد صفت آن صبر حنظل منی مرز از هر یک یک درم
 زعفران دو دانگ بجای طلا کنند طلائی که حجودین را سود دارد
 صفت آن صبر حنظل با قیاس عصاره طیاره لیب با عنب الثعلب
 طلا کنند طلائی که او را نافع بود صفت آن صندل سرخ
 سیاق با منی از هر یک دو درم کل از منی دو درم فلفل اقیاس حنظل
 اعضاکی سود را از اخلاط پاک کند فالح و لقوه و در الثعلب را نافع بود
 و چون کیدرم از این حرب کیدرم ایار و فیترا حنظل و کوزند چشم را روشن کند و
 مانع ترول آب کبک دو و اخلاط فاسده را از بدن برون کند طلا کنند صفت آن
 سمونی تخم حنظل عصاره استین مصطکی از هر یک انکی و نیم مقل و انکی
 کبک ایار کبک باب حسب از زنده است لقه و عرش و فالح را نافع بود
 صفت آن زنجبیل فلفل و فلفل سیاه سدر مصطکی و در پی سبب است
 سنجی از هر یک دو درم صبر پسترسر باب کبک حنظل از زنده استری دو درم نیم
 حسب سر که کند و بر پوستی النفس امر از سینه را نافع بود صفت آن
 خار بقون تربد سفید از هر یک دو درم اصل استوس تخم حنظل ایار و فیترا حنظل
 از هر یک دو درم باب حسب از زنده استری کبک ایار کبک حنظل صفت آن
 چشم و سینه را نافع بود صفت آن نبغش دو درم تربد کبک ایار محمود و کبک نیم
 رب استوس نیم درم باب حسب سازند با لؤلؤ نافع است کسی که از سینه
 بد طعم که راهت کند و سینه را سبب و سهل تاقی کند صفت آن تربد سفید کیدرم و

کبک نیز تازویا یک شنی طلا کند طلائی که سر او را نافع بود
 حکم بر کدوم مریب با قیاس قیاسا از هر یک دو درم زعفران نیم درم کوفته
 و چغندر باب مجورد با آب کهن طلا کنند طلائی که در کسب رانند و در
 سالن گرداند صفت آن حدیثی است که مندرج است از هر یک دو درم که موز
 و انکی و نیم باب کهن بر پستانی و در جگر طلا کنند طلائی که حمور را نافع بود
 آن صبر زعفران با قیاس فلفل کل از منی صندل سرخ سیاق با منی
 با کبک سنی از عنب الثعلب طلا کنند طلائی که سکت را نافع بود صفت
 خود را چند پسترسر که کند بر هر طلا کنند بعد از آنکه سر را پسترسر کنند
 طلائی که لقوه را سود دارد صفت آن صبر حنظل منی مرز از هر یک یک درم
 زعفران دو دانگ بجای طلا کنند طلائی که حجودین را سود دارد
 صفت آن صبر حنظل با قیاس عصاره طیاره لیب با عنب الثعلب
 طلا کنند طلائی که او را نافع بود صفت آن صندل سرخ
 سیاق با منی از هر یک دو درم کل از منی دو درم فلفل اقیاس حنظل

دنبه برشند و بر محل خم نهند یا اهنک زرده تخم مرغ بزم خیره بزخم
در دساکن کرد و اگر با قلا کوفته بدو ساج کشته بر موضع نهند کی نهند در
ساکن شود و اگر گرم را در روغن بچکانند و بیالیند که را که گرم بگردان
روغن بر موضع نهند کی نهند در دساکن کرد و اگر آن روغن با عسل نهند
چون کودک از مادر برباید آن نگیرد بکام کودک بمالند اگر درم گرم ادر
بگردد کار نریاید و در دساکن و اگر چرک کوش خور نهند کی نهند در
ساکن کند و اگر سریش بکشد نهند و بمالند همان عمل کند و اگر آن گرم
کسی را که زیره بکشد و بکشد سوده و بز روغن پستان گرم کنند و بز تخم گرم
نهند همین عمل کند و اگر تریاک بکوبند و بر آن موضع نهند همین عمل کند
و اگر بر تریاک بکوبند و بر آن موضع نهند در حال درد ساکن شود و اگر چرک
و اگر چرک کوش نهند بزخم نهند نافع باشد و اگر اشک بزق مقبول است
خنا لادن مصطکی سورجان از هر یک دو درم تربید نهند نهند از هر یک
سه درم روغن کل ده متقال روغن زیت با نرد و متقال آب بپوش متقال

پیز برسی متقال و اگر جراحت و دانه باشد توتیا و سفیداج و در سکنک
از هر یک دو درم زنگار نگیرد اضافه نماید و بطریق هر یک تربید نهند و بدو
متقال بمالند که پهنی آورد و آن اقیون بچندم محال
سیاه ده درم در سرطل آب بچکانند تا بر طلی اید و نیم رطل کندم در هکند
پاک کجیک نهند تا آب و تمام نهند شود پس نهند در خاک نهند و بکوبند
و کمتقال از آن هر یک بید نهند خود نهند که باز همان عمل کند همان
نخس سیاه و تخم کاهو از هر یک چند درم بز روغن دو متقال بکوبند
و صاف کنند و با قند بقوام آورند متقالی از آن سکر باشد و اگر کسند
سکر کنند هر که بخورد کس نهند سوده اگر خواهند زود بسیار سوده که نهند با کلا
بدهند یا دونه کاهو یا برف سرد کرده بدهند که نافع است از همه عک
و جوب و سعف و کس کونید متقال پودت سیله زرد درم سنا
و ساهتره از هر یک دو درم استیتن یک درم و نیم کوفته و نخته بزم کوفته
بکشد سرتی متقال کچورده که سهوت رویه زنان حامله را دفع کند البته

دوای که بهوش آورد
۵۱
ما نوره زرا نهند
خسک طاری
اسب و کاج بپوشم
اسب که در اندازان لاله
صعک در منی کلوه
سن متقال کسین
بسیه کند در سرتی
اسب نهند کسین
بست زرد سرون آرد
بم بود که بر سرتی
در سرتی در منی او کلانه
و در کسین با نرد
بمالند بهوش آورد

صفت آن مصطکی نیدرم عود خام نیدرم زیزو کرمانی دانی و نیم کوفته و بختی
 بادو درم کلقتد مرتبه بپوشند و آنکه نافع است از هتبه درد دندان
 سبب آن حرارت است صفت آن ایون نیدانک روغن کل کلکتد و در
 پنبه بدان آلوده کنند و بدان نهند و اگر کافور و عاقور و کوبند
 و در روغن کل کلکتد و پنبه بدان تر کنند و بدان نهند همان عمل کند
 که نافع است از هتبه درد دندان که سبب آن بروقت به و آن را
 تریاق الکستان کویند صفت آن چند پسته حلتیت فلفل مرز اوند
 مدح بزنجبیل معیه و ایون بزنجبیل مساوی کوفته و بختی بپوشند
 و پنبه بدان آلوده کرده بدان نهند و آنکه دندان سوراخدار را
 نافع است صفت آن فلفل عاقور قرمز بجزیل از هر یک یک پوره از هر
 یک کوفته و بختی بپوشند و استعمال نمایند که درد دندان خمدار
 نافع است صفت آن فلفل عاقور قرمز را بکوبند و بسیار و بپوشند و در
 دندان نهند که در حکم کند و کوفته را بر ویانند

بهر که در روغن بادام کند
 و از اساید و کاهار و در روغن بادام
 بکار دارد که هر که بپوشد هوش
 اگر با قوی بپوشد هوش
 در روغن او چکانند هوش

نوعی که بپوشد هوش
 بنام و صفت آن
 و در روغن او چکانند هوش

کندر زراوند در هر دم الاخون کر سنخ سون مساوی کوفته و بختی
 پس بچین غنطی بپوشند و استعمال کنند که درد دندان لاسکن
 کردند صفت آن عاقور قرمز مویز از هر یک درم نیم هر یک درم است
 تازه مشقت ال تیرکاو دو مثقال جو ساینده صبا زرد و بردان نهند
 و اگر سداب تازه با مویز سیاه بکوبند و بردان نهند باز همان عمل کند
 بالبال زرد و کاهار در روغن بادام نافع است صفت آن
 از روت پرورده کسیر خراگه صمغ عربی نبات مساوی کوفته بپوشند
 استعمال نمایند و نافع است از هتبه که شده آلوده و در هر دم که سبب آن
 رطوبت است از روت عربی چند مثقال سیاف مایند و درم صبر زعفران
 تخم کل از هر یک نیدرم ایون چهار دانگ کوفته و بختی استعمال نمایند و در
 سفر از روت عربی ده درم صبر زعفران حنظل یکی از هر یک درم
 مرصاف نیدرم کوفته و بختی استعمال نمایند و در هر دم که سبب آن
 نافع است صفت آن سره صغفرانی شادنج عدس مغسول صلا کرده زرد و سازند

103
 و در روغن او چکانند هوش
 و در روغن او چکانند هوش
 و در روغن او چکانند هوش

چهارم انتقال صمغ عربی بمقتال کوفته و خفته ذرور سازند و در ساج بهند
 کشند دم مس سوخته سرکه اصفهانی تو بال از هر یک دم ساج و خج عدل مغول
 مرضانی از هر یک یکدم صدف سوخته ما بیر آن پنی از هر یک دم صدف
 کرده استعمال نمایند و در کوفته از خفته حرارت هم و در صدف
 صدف سوخته مروارید ناسفته از هر یک دم نکاسته یکدم کافور در
 صدف یکدم ذرور سازند و در کوفته برویاند و خون رفتن از جراحت
 باز دارد و عاقبت نافع بود صدف انزروت دم الاخویس مرکب کنگر
 کل از هر یک یکدم ساج کوفته و خفته ذرور سازند و در
 که کوفته فاسده سده را بخورد و سر جراحات بندد و سخت کند و در وقت
 و در اول سر جراحات یکید و تری بر صند و کوفته نو برویاند صدف
 انزروت چهار دم الاخویس دو دم کل مستعمل مردار سنگ مرکب
 از هر یک یکدم و نیم کل از هر شیف مایش از هر یک یکدم صدف سوخته در او
 مدرج از هر یک دو دم کوفته و خفته استعمال نمایند ذرور سازند که نافع است

طبع را نرم کند صفات بلیک زرد صد عدد و نیم یک کوفته کشند و در ظرف کرده
 آب بر سر آن ریزند و نگاهدارند و یکرات ریزند و سه روز دیگر در آب
 نهند و آب اول دویم را با هم بپزند و صد و پنجاه انتقال نیز یکبار در او
 حل کنند و صاف سازند و بر شش نهند و بقوام آورند و فرو گیرند و کمی قلی
 ستمی نماید سووه در آن حل کنند سرکه که فوایق باشد خاصه که از پس
 طعام آید صفات زیره کرمائی آنیون خوردند کنند از هر یک دم در دو دم
 آب یک کوشانند تا نصف آید بپالایند و جود جود بپوشند در آب سیون
 ریک ز کرده و مسانه پاک کنند و در بلیون سی انتقال در دو کاشی کشند
 و بپالایند و با یکم قند بپزند در سرد معده و بکبر نافع بود
 و بادای مفاصل را سوود دارد صفات پوست پنج کاشی سی دم پوست پنج
 رازیانه پوست دم رازیانه یک کرمش و پوست پنج کاشی از هر یک دو دم نیم
 کتوت در کتان بسته بخورد کوشانند و بپالایند و با یکم قند بپزند
 بپزند در آب مسهل صفر بود و تهای مرکبه را نافع باشد و در کافور

ساج
 قند
 ریزند تا سه روز بعد از آن آب
 شش شویب و قند که در کافور بود

تازه نمین در ده من آب بچوشانند تا هفت آید بپالایند و نمین دیگر کرب
 کل سوز در آن بچوشانند دیگر بپالایند چند نوبت بخین میکنند تا کین
 صاف کنند و با یکین آب سیرت بزند سترتری درم با چینی و آب بر
 بیخ سیرت توت در دکلو و حاق را نام بچوشانند آن آب توت سیاه را
 بکینند و صافی کنند و بچوشانند تا به نیم آید و بهر پنج رطل آب سه رطل قند
 اضافه کنند و بقوام آورند سیرت سبز در معده و اعصاب استود دارد
 و خفقان دارد و اینکوز ایل کتد صفرا که عمل را با دو من آب بچوشانند
 و کف بردارند و بقوام آورند عنبر و عفران سووه از هر یک یک مثقال
 اضافه کنند سترتی بخدر دهند سیرت با جگر راقوت دهد و کین بپالایند
 صفرا آن آب نار سیرت را بکینند و بچوشانند تا نصف آید و بهر
 یکین آب بچوشانند و بقوام آورند سیرت سبز در راقوت
 دهد و اعراض طبع را نام بچوشانند و پر از اسهال است و عمل کین بپالایند
 یکین در دو من آب بچوشانند و بقوام آورند یک مثقال مشک و یک درم زعفران



سوده اضافه کنند سترتی در دو من سیرت کین با فست از هفت اسهال میوه
 و ضعف معده صفرا آن رت سیرت سبز سیرت سی مثقال کلنا ندید آید
 صندل سفید حب الاس از هر یک یک مثقال کلاب قند سفید از هر یک
 پت مثقال بطریق مهور سترت بزند و استعمال نمایند سیرت جگر و
 دل و احشای راقوت دهد و سده بکساید و استسقا و جمیع امراض بارده را
 دفع کند و با هر از یاده کند و سیرت با آورد صفرا آن آب سیرت سبز درم
 در آب امکران خپانند بسیار زود در دیک کین بچوشانند تا نیم آید
 و صاف کنند و خونچان مصر و ج مصطکی از هر یک درم زعفران یک درم
 صدای کرده اضافه کنند و با کین قند سترت بزند سترت چهار درم
 اسهال کمرع و مالتیولیا و صداع بارده از او جمیع امراض درماند که سبب آن
 برودت است سوده دارد صفرا آن اسطوخودوس سیرت سبز و سیمان خود
 الصیب از هر یک بخدر اصل السوس کوز بلن را زین پوستنج از هر
 تخم خط نموشه کل سوز از هر یک درم سیرت سبز سیرت از هر یک یک درم

جوسانیده و صاف کرده با یکدیگر بپزند پوست
 کبر و رازیانه از هر یک پست متقال تخم کرفس رازیانه سیون یا گواه مایه
 سورنجان از هر یک درم پوست پسته تخم کرفس پست درم
 قند سفید یکم لیمو معطر و پوست پسته پخته مواد غلیظ را
 صبح دهد و سده بکشد و باد را بکشد و سوز قنیه و استفا
 و جمیع امراض باره جگر و معده را نافع بود و پوست تخم رازیانه
 پوست تخم کرفس و تخم کاسنی از هر یک سی درم پوست تخم کبر با زرد
 انگرزد پست و از نمونیز منقعه چهل از فجاج او خوشنبل ایارون پنجه
 از هر یک درم قند سفید یکم پسته پزند چنانکه در حکمت
 در پوست را نافع است و باه را قوت دهد کدر است پالیزه
 دهن سر و بن بندازند و درم درم کنند و در دیک سکنین اندازند
 و آب بر بالای آن اندازند و سرد یک کجلی کمیت یا خمیر کج کنند چنانچه
 بخاران برون نرود و باس است پزند و بگذارند تا سرد شود پس سرد

کلیذ

بکشد و دیگر بکشد و آب است مانند و صاف کنند و با هم سگ آن
 غسل در دیک نرند و سنبه و خولجان و قنصل و در چینی از هر یک یکم کرم غمرا
 نیم درم مجموع بکوبند و در گیسند و در آن دیک اندازند و هر خط پست
 میمانند و بچوسانند تا بقوام آید سبب سبب اسهال دموی و نفخ الدم
 و سیدان طمشت را نافع بود و معده و جگر گرم را قوت دهد و سبب آن
 صندل سفید و سرخ ساییده از هر یک پست متقال انجیر پست متقال قنیه
 و پوست تخم تخم تخم تخم پسته پزند و سبب سبب سبب سبب
 آمله مقشر یکم متقال حب الاس و پوست تخم انجیر کل سرخ تخم خضری
 از هر یک درم ربت سبب سبب و کلار از هر یک پست متقال سبب سبب
 سبب پزند که از جهت مالنچولیا و امراض سوداوی نافع است
 تخم کاسنی تخم فرخنگ تخم بادرنجبویه از هر یک درم کاوزبان سرد بادرنجبویه
 هفت درم و نیم ایرساده درم و نیم اصل السوس پست رازیانه بسفاح استغی
 از هر یک درم و نیم در سس مثل ادویه کلار و دو مثل ادویه آب سبب سبب

صفهان تخم کوش را زیان دیره کرمانی انیسون ناکخواه سقز انجدان
 کاشم کردیا کثیر خشک فلفل دار فلفل کندر دار صنی سنبس قرفه
 جوز بواجتم جو چترسم پاز سعذ زنجبیل از هر یک کتثقال غنث
 الحدید ده مثقال در شش مثقال اوویه برابر بچوسانند تا به بنماید
 و صاف کنند شربتی هر روز دردم شربتی سیانچ امراض بجز راناف
 بیه و معده را قوت دهد و پیران را موافق با صفهان سیره انکو
 صدن در خم ریزند و شش من قند اضافه کنند دار صنی قرفل جوز بوا
 بسیار از هر یک درم مجموع یک کوفته در کینتند و در خم اندازند
 و سرخم را بگیرند و بعد از استکمال استعمال نمایند و باید خم را اول با کت
 و اندرون آن را بموم گذاشته بگیرد اندو بمسک و عنبر بویا کرد
 در آنجا که معده و در اوقات دهد و امراض بلغمی و سودا و پیراناف با
 صفهان آب سبب برطل آب بپسیرین دورطل در دیکت کنند
 و قرفل کیدرم و نیم خوردندی ده درم کا و زبان بادرنجوبه کل سرخ

از هر یک

از هر یک تخم زرده تخم مرغ نیم کخته یک سفید بروغن استخوان زردالود
 ضما و سند فمادی که از جهت فتن نافع به صفهان جوز السود و درم
 سعد و صمغ عربی مرزنجوش ناز و افاقیا کندر از هر یک کیدرم کوفته و بچ
 بروغن قسط ضما و کندر ضما و دیگر که همان خاصیت دارد صمغ جوز السود
 صبر و رقی سداب بازو با بونه مسا و کوفته و بچته برابر که نه ضما و کند
 ناز که نفوس بار در اسود دارد و بقایای او رام بار در تحلیل مود
 متقل کندر بزرگ صلبه استق کوفته برابر ضما و کندر ضما و کندر که بجان از بدن
 پروکن کند صفهان استق بناز کرس سنجی کوفته و بچته بعل ضما و کند
 بروغن حقیقی بروده معده و کسد و طحال را نافع بود صفهان سنبس
 سنجی سنبس الطیب صبر زرد از هر یک درم عود بلسان و زعفران از هر یک
 دو درم موم سفید است درم موم را در روغن نار دین بار و روغن قسط
 بار و روغن زیت بگذارند و با قرا اوویه را کوفته با آن بر سازند و ضما و کند
 ضما و روغن معده را که بپس آن حرارت بپس نافع است صفهان

حب الاس امه بود کلنگ در کت مورد پوست به پوست کب کل سرفه قصه
 ضد اسهال سرفه سفید کوفته و خسته بکباب آب سبب ضما دکتند هر که نفس
 و اورام حاره را نافع به است که ضد اسهال سرفه و خسته بکباب آب سبب
 مایه کل اسهال کوفته و خسته بکباب آب سبب سرفه ضما دکتند هر که
 لقوه و فالج و صداع و درد چشم و درد شقیقه و درد دندان نافع باشد
 و نزلات را از چشم مفع کند چون بر صدغین نما دکتند و چون سرفه
 ضما دکتند بول براند و چون بر کزندی عقرب مالند و در اسکن کردند
 و چون بر شکم ضما دکتند اورام اعصاب و باطن را نافع به است و در عی الحام
 دو درم موم سفید ده درم راتنج سه درم روغن زیت چهل درم موم و راتنج
 در روغن زیت بگذارند در عی الحام را کوفته و خسته اصفه نمایند و ضما دکتند
 ضما دکتند که اگر بر معده نهند خرد و در او اگر بزاق ضما دکتند شکم براند
 و اگر بر عام نهند حیض براند برنگ کالی عصاره قند را اعمار
 از هر یک سه مثقال خربق سفید و مرد کشند از هر یک چهار درم روغن زیت

ده درم موم سفید و سه بر از هر یک پنج درم موم و سپر اور روغن زیت بگذارند
 و با قراد و پیرا کوفته و خسته تا بن خم کتند و بر زوی کاغذ یا پارچه کتند و ضما دکتند
 ضما دکتند و دیگر که چون بر کتند و بر خم معد و اندازند اسهال سودا کند
 و چون بر بغل ضما دکتند اسهال ضما دکتند و چون بر باطن لور کین ضما دکتند
 بلغم براند و این ضما از اسهال اطفال و پیران و کسانیرا کتند
 اسهال ندرند و می سهیل به بدین معالجه کتند ضما دکتند و ترش کتند
 بکوبند و در دیکتند و مقدار سیر تازه که از اسهال ندرند بر آن
 ریزند و چوبستانند تا بقوام آید و استعمال کتند و چون خواهند اسهال
 یکبار منقطع کرد و البته را بردارند و آن موضع را بکباب بپزند و
 که پوست بر کزناخن بر خرد با صلاح آورد ضما دکتند مصطلک اسهال
 در پانزده درم روغن کل بگذارند و درم یک بان بپایزند و بر آن
 موضع ضما دکتند ضما دکتند که از خسته بر ص اطفال نافع به است و در روغن زیت
 سه گانی کو کرد از هر یک یک درم زفت و مرد و درم زفت را در عسل

کثیر ورق کل سرخ کلزار سناخ کوزن سوخته عصاره لطیفه التیس از هر
دو درم مازو یکدرم کوفته و نخته پاک مورد ضما و کنند که او را م
سود دارد صفح آن نان کنند و آرد جو خطی تا قبل از هر یک درم زعفران
نیم درم کوفته و نخته بزوده تخم مرغ ضما و کنند ضما که نگذارد پستان
بزرگ شود صفت آن دوع سوخته آرد جو مساوی بس که کشند
و در هر ماهی سه روز سنو الی ضما کنند که آماش پس کشند و در
ساکن گردانند صفح آن آرد جو درم آرد با قلا بخورم اقا قیا یکدرم
سفید تخم مرغ یک پیضه پاک نیز تر و آب کلسنی مخروج ساخته ضما و
نماید که از جهت اختلاط عقل و امراض عاره نافع است
دو درم سبوس کشند نخته از هر یک یکدرم خطم درم پاک یک پیضه
کل و قدری سرکه ضما و کنند ضما که آماش بن کوس را نبت اند
آن پهلجا سر مرغ از هر یک یکدرم بگذارند و بخورم بس که کوفته
کوفته و نخته بان بس کشند و ضما و کنند ضما که اسهال را که سبب ضعف



قوت مضمه و برودت جگر چه نافع است ضما که سبب قصبه است
تسور کند مرصطکی برک مورد لادن و ورق کل سرخ صندل از هر یک درم
پوست انار ترش و اول از هر یک یک پیضه کوفته و نخته بس که کشند
ضما که در دبو کشند صفت آن مقل کوبان تر مغز ساق کاو
مغز تخم ان زرد آلود میعه سایید زرده تخم مرغ مساوی بروغن کاو
که پیاز در آن جوشانیده پس صندل کشند و ضما سازند و پیاز بروغن کاو
بریان کرده ضما و کنند ضما که قله لمارا سود دارد
آرد جو یک کوفته کشند کل از منی سرکین کاو خشک از هر یک یکدرم
سعد بوبه از منی زبیره کرمانی مس سوخته تخم خنظل صبر سوطی قشاق الحما
از هر یک یکدرم کوفته و نخته بس که ضما و کنند که افراط طمس را نافع است
صفت آن عدس منقش به بیت انار ترش مازو بزرگ مورد مساوی
کوفته و نخته بس که کشند و بر نشت و بر سگم و عانه ضما و کنند
که سبب زمان زیاده کنند ضما که آرد با قلا درم تخم با و روغ بخورم

کوفته و چخته باب بود و چغندر کنگر که بگذارد و ناف کچم پروان آید
 صفح آن سبب بیانی سردم مازور عدد کوفته و چخته بسبب سردم
 ضما و کنگر و بر نادره کنگر کنگر که نفوس گرم را سودمند بود
 صفح آن آرد جو سبب دم ایمن سردم باب عجب الشکب ضما و کنگر
 ضما که نفوس مرکب از نافع باشد و صفح شش خطمی تخم مرد آرد جو
 سورجان مساوی کل وزرده تخم مرغ ضما و کنگر که جمیع
 مفصل از نافع بود صفح آن با بونه خطمی الکلیل اللک از هر یک است درم شش
 جوا و سبب نقل از هر یک درم موم سرکه از هر یک پنجم درم روغن شکر است درم
 صفح آن کنگر چنانکه رسم است که جمیع امراض و اورام حاره را در
 نافع بود و ماده را و و کنگر شاف مایین افاقنا صندل سرخ فوغل باب
 عجب الشکب ضما و کنگر که بوی او در در مقعد و زحیرا نافع
 صفح آن متر ساق کاوده درم موم سفید سردم افاقنا دم الا خون کنگر
 مر از هر یک یک درم مر در سنگ سفید اب رزیز از هر یک یک درم و نیم نقل است

اینها

و اما سبب تخم کنگر آن مس سوخته سردم باب باران بدل کند افاقنا
 دو درم کثیر اصمغ عربی سنبل زعفران از هر یک یک درم باب لسان الحمل
 سازند شیفاف ایمن کنگر نافع است با دمار که در چشم
 باشد کنگر و طلا کردن صفح آن مس سوخته ایمن از هر یک یک درم
 و نیم زعفران شیفاف مایین از هر یک یک درم مروارید مسفته بسازد هر یک
 یک درم افاقنا پنجم کوفته و چخته باب باران کنگر و شیفاف سازند
 کنگر که قرص و ماده غلیظ را نافع بود صفح آن سفید اب رزیز
 است درم ایمن از زروت مرئی کثیر از هر یک یک درم صمغ عربی چهار درم
 کنگر یک درم باب باران شیفاف سازند شیفاف قرص و موم سرخ
 نافع بود و حواریت بنامند و جفن را بر سازد صفح آن اقلیمیا
 و سفید اب رزیز مس سوخته سردم صفحانی صمغ عربی کثیر است سوخته
 از هر یک است درم مر ایمن از هر یک یک درم باب باران شیفاف سازند
 شیفاف رزیز دیگر و منفون این صمغ عربی است درم ایمن



سر اصغرهانی تو تیا مس سفته کثیر اصمغ عربی از هر یک سدرم و
 بجز دم کوفته و پخته سیاف سازند و بعضی اقلیمیا و سفیداب از زیز
 از هر یک سدرم و کندر چهار درم اضافه میکنند که در قوه
 و میوه را نافع بزم و گوشت بر ویانند صفا آن اسق از زروت از هر یک
 بجز دم کندرده و دم زعفران دو درم اسق را در لعاب عبه حل کنند
 و با قوه دو کوفته و پخته بان بپزند و سیاف سازند که ابتدا
 آبرای نافع است صفا آن خرق سفید یک و قیه فلفل نیم و قیه
 اسق یک درم با آب نرگ سیاف سازند که در روغن نامی خوب و طوفه
 و انسا رو ابتدای نزول را نافع بود آن اقلیمیا نقره اقلیمیا طلا و زرد
 ناسغه از هر یک و دم کافور شک از هر یک که صلا کرده با آب باران
 سیاف سازند که از جهت نزول و تارکی چشم نافع است
 صفا آن از زروت عربی سیاف مایه از هر یک است در مروه آری
 فضل افضل از هر یک چهار درم زرنج زرد و درم زعفران یک درم و کوفته و پخته

بسیار

پوست پیدا کند عسرا از هر یک هفت درم فلفل و در فلفل پنجس فلفل یک
 سز و نک هندی سیاه نمک اندرانی نمک طرز دنگ صبران لسان العسافر
 سیطرح هند سدر خیره قرفه و نقل سقر نرگ کبابی مقدر سوخته
 البیل زیزه کرمانی ساج تخم کوشک کوشک از هر یک بجز دم سببید
 صد و پنجاه درم فلوین خیار چمبرده درم مویز منقعه نیم سیرامه کین مویز
 و امه را در سوسن آب بپزند تا بر روغن آید با لایند و خیار چمبر در آن حل
 کنند و سوسن فایند هم در آن آب بگذارند و تخم روغن کجند بان پامیزند
 و کوشک تا بقوام آید و دارو نامی دیگر کوفته و پخته بان بپزند که در
 بجز دم با سیرامه ابی با آب غلبه کبابی است تقار عار ان
 صفا آن مازریون مدبر غار بقون پوست هلیله زرد از هر یک بجز دم
 عصاره آستین سه درم پنج سوسن کل سز تخم کاشمیر تخم خربزه ربت
 السوس از هر یک و درم ترنجبین فلوین خیار چمبر فایند بجز از هر یک بجز دم
 صفا آن دو بقوام آورند و دارو نامی دیگر کوفته بان بپزند که در و درم

تا چهار درم کحل در نافعت است تقاسی که با او حرارت نباشد
 صفحان مازنیون مدبر غار بقون پوست هلیله زرد کسین از هر یک
 پنجم ایر ساس درم ریوند چینی عصاره غافق سنبل الطیب انیسون
 از هر یک درم کوفته و چینه معجون سازند سرتی سردم تا چهار درم
 کوفته و کوفته برودت معده و تهوت کلمی و حیات بلغمی و سودا و
 و فواق بلغمی و همت لاسی و فشق و قونج ریچی نافع بود و بادار کفند
 صفحان زبیره کرمانی بر پنجاه درم فاضل سیاه پانزده درم سرد
 و زنجبیل از هر یک پست درم بوره ارمنی پنجم درم غسل سه وزن او و بیه
 معجون سازند چنانکه رسم است سرتی کبیکال کحل کحل حصن و تار کبی با
 و دمه و سیلان را نافع است آن از عفران سنبل از هر یک دو درم دار فلفل
 بیدرم فلفل سفید و کافور از هر یک یک دانگ و نیم لوت و نیم درم مازو
 سه درم کوفته و بجزیر خسته در پسم کسند کحل و معده تو تیمای غسول ده درم
 سد طلسم زرد صبر زرد از هر یک چهار درم فلفل غدرم و فلفل کدرم

کوفته

الکحل

الکحل الکحل سیاق ثابینا پوس و ربنندی از هر یک یک درم مشطاب از هر یک
 سه درم کوفته و چینه بطلاب و آب کافور طلا کنند صفحان که افزاید باز
 کحل سرتی عدس غمسه از هر یک پنجم درم افاقینا کحل صفحان
 از هر یک سه درم کحل از هر چهار درم طباسیر بلوط از هر یک یک درم کوفته و چینه
 باب بر عانه و لیسیت طلا کنند صفحان که از حبه نبات الیلیل نافع باشد
 خطم اکلیل الیک از هر یک چهار درم ترس کوس در بندگی سیاق
 ماییت از هر یک یک درم نیم ارد با قلا سه درم کوفته و چینه باب کوشن طلا کنند
 صفحان که از حبه سعفه ترک بر روی اطفال بد استخف نافع است سیاق
 از زیر سه درم کحل سرتی درم کسار زرد و حبه از هر یک یک درم کافور
 طبو حرموم سفید دو درم نیم درم کحل کبزارند و با قرا و بیه کوفته و چینه
 آن مخموج سازند و طلا کنند صفحان که همین خاصیت دارد صفحان
 اسنان سیر مردار سکن از هر یک نیم درم کحل از هر حوض صفحان
 از هر یک سه درم خاقنیل از هر یک چهار درم افاقینا سیاق ماییت صفحان

صندل از هر یک درم بکباب ترسانه طلا کنند که از رتبه سعه کینه
 نافع بود و همان یک سوخته زاج سوخته گوگرد خاک زینتی نازد زرد جو
 زراوند در کسند کوفته و چغندر بر روغن کلر سرکه طلا کنند و اگر رتبه
 سقمه در بدن طفلان پیدا شود زرد جو به خازراوند سرکه
 پوست نار بر روغن سرکه طلا کنند و بیکر که سعه ترانافع
 سقمه آن یک و استکان بسره که تر کرده چند توبه بمانند و اگر چه
 رقی بکباب برزند تا کف برآورد و بعد از آن پنج نفث و موم سفید و روغن
 بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند و یک تاقی بگذارند
 پس آب گرم بسویند طمائی که سپس رافع کند و سوره
 سوره از هر یک درم زرنج سرخ بیدر و نیم زینق مقبول بیدر بسره
 و روغن کل و اگر بدن بر روغن کل گشت چوب کشند و باقی در آن
 کل سرخ و بزرگ مورد جو سینه بسویند بغایت نافع بود
 دیگر مویز و زرنج سرخ و زراوند طویل مساور بر روغن زیت طلا کنند

و صرع و رتبه و نسیان و عرق لیس و فاضل طبع و جمیع امراض بارده را
 نافع بود و حفظار از یاده کنند و معده را قوت دهد و با هر یک بکینه و سر
 انزال سلس البول را نافع بود و بر آن موافق است صد آن زعفران فلفل
 و زعفران سنج و مغسول آب لیمو صلایه کرده کبابه صبر و مصلک نیون
 سقنقور سنبل کبابه زیره کرمانی قرنفل در چینی صندل دانه تخم خربزه
 تخم کاسنی تخم خاس عاقر قرصا بهمنین هلیک سیاه که بر با مر جان حرورید
 نافع است لسان العصاره تخم کمرش مغز بنبه دانه تخم تا نوره زهر گرفته بریان
 کرده و خطیانا مایه شتر زنجبیل مغز کهنک مغز خرخوس کنجد موش کشند
 روی بابونه جوز بوا آمد قاقا که بر مایه شیر طرح ناگواه خورهند خصیه
 التعلب زرد بناد و از یانه بلا در زهر گرفته کله زهر گرفته بریان کرده
 زراوند طویل بنا بر غنصل زراوند درج است هتمه از هر یک پنج مثقال افیون
 مسر چهار مثقال عنبر فاضل و مسک خالص از هر یک یک مثقال و زرق طلا
 و زرق نقره از هر یک پنجاه عدد و قند سفید ربع اجراعسل سفید برابر

اجزا اوله و کلسه هر صد مثقال دو از ده مثقال بپوشد و متعارف همچون
 و بعد از سه ماه استعمال نمایند یکدیگر فولاد و آهن است که فولاد جوهر در حالی از
 خاکستری باشد و صلایه کشند و هر چاه فولاد چاه سفال گوگرد زرد پاک
 صلایه کرده بان ضم کنند و در لونه ریزند و در کوره نهند و شش راتند
 کند چند آنکه گوگرد تمام بسوزد و دو گوگرد بر نیاید بعد از آن بیرون آورند
 و باب صبر و سر که گفته اند صلایه کشند تا نیک صلایه شود بعد از آن لبر که
 بسویند تا مخی از او برود پس با یک بسویند تا سیرین کرده و بعد از آن
 خشک کنند و باب تر صلایه کنند چند آنکه چون آب بریزند تا آب فرو نرود
 تا نیمه روز بر بالا ایستند چون خسته شد بسیار بولج از سردی کشند و بوی
 باز دار و صفت آن خسته شد بپوشد درم قسور کند در کوره کلسه
 باشد یک یا نه روز خشک کرده و کوفته و چغندر خردم طبیب چهار درم
 کسیر بر بیان کرده درم سوکران دو درم صپه ساده بسند ستر
 با مداد سه درم و کلسه نگاه سه درم باب صبر و کلسه کلسه

نانه

طبیب چهار درم متفر حلقوزه صمغ عربی قاقلا از هر یک هفت درم سفید
 سسنت درم کوفته بروغن بادام و غسل بسند و استعمال نمایند و لعوق بود
 سرفه و خشونت حلق و حنجره را سوود دارد صمغ آن صمغ عربی کلسه است
 رب السوس از هر یک درم متفر کلسه کدو و متفر بادام از هر یک خردم کنند
 سفید است درم کوفته یک کباب برشند و بروغن بادام چرب کنند و لعوق
 سازند و لعوق رب سفال فرسین نافع بود و فستول لزمه را از سینه
 دفع کند و بر نغذت یاری دهد صفت آن رب السوس کلسه از هر یک متفر بادام
 را از نیمه مسوی کوفته و چغندر و صمغ صاف و روغن بادام بسند و سفید لعوق
 سفید رب و سفال فرسین با رطوبت نافع بود صفت آن پیاغند
 مسوی سه درم ایرساد و درم فرسیون و زوق از هر یک یک درم کوفته
 غسل بسند و لعوق سازند و لعوق که سرفه خشک را نافع بود و سینه را
 نرم کند صفت آن رب السوس به دانه مقشر از هر یک درم آرد با قاقلا است
 کلسه صمغ عربی تخم خطمی متفر کلسه خیارین متفر کلسه کدو متفر کلسه خوزه از هر یک خردم

ششگانه و درم مویر منقحی از هر یک است عدد مویر از درم و شش
 دوام باشد و در ویر دیگر را کوفته با این میزنند و به منقح بر کنند و لوق
 سازند لوق چهار سبزه از شش کجی بن ماسور و درم خلق شش کجی
 و شش شونیت با این نافع بود صفت آن عناب نخاله عدد است
 صد عدد که خطمی درم مویر منقحی است و بخدرم نغش و اصل السنوس
 میگویند از هر یک با تیره درم کثیر است تیره درم بر شطون است درم کجی
 در وقت رطل آب بچوشانند تا ببلندی آید و صاف کنند و بخدرم نغش
 در آن بماند و دیگر بار صاف کنند و بگیرند منقح و سرد درم فانی درم
 کنند و بچوشانند تا غلیظ شود و بهار و غنچه با درم بلیند چون در
 در خلق اطفال ریزند سرد و شونیت سینه را نافع است بطرفی است
 نافع است آن قرص که او از هر یک یک درم بزرگ است کثیر است
 دو و آنک افیون نیمه آنک کوفته و بچته بر که بر کنند و بهر کافور
 و بر شش چسبانند در است این درم بطرفی دیگر که همان عمل کنند

medicine filed 3/23/90
 Harvard School of Public Health, 25.646



صفت آن



END OF REEL
PLEASE REWIND

